

به نام پروردگار مهربان

جمع‌بندی

کنکور جدید

ادبیات فارسی

مرور و جمع‌بندی کنکور در (۲۴) ساعت

• شهریار قبادی، اسماعیل محمدزاده،

علی احمدنیا



مهروماه

مقدمه



«در نبرد جویبار و صخره،

همواره جویبار پیروز است و این پیروزی ناشی از پایداری است نه قدرت»

دو سالی است که قلم‌هایمان رنگ و بوی کتاب‌های جدید درسی را گرفته است و گویی این نوشتن‌ها پایانی ندارند کلمات از دل سال‌ها معلمی و گنج و تخته سربرآورده‌اند، نقش کتاب‌ها شده‌اند و راهی قفسه‌های کتاب‌فروشی‌ها در انتظار مخاطبی که خود و سلیقه‌اش را در آن می‌یابد. این نوشتن‌ها آن‌گاه برایمان سخت‌تر شد که نام «جمع‌بندی» گرفت. کتابی خلاصه و جامع با یک استراتژی مخصوص به خود و حجم و قالب خاص. با دقت تمام انجامش دادیم و این کتاب هم راهی کتاب‌فروشی‌ها شد. امید که این شیرۀ جان ما و کتاب‌های تألیف شده قبلی، مقبول افتد.

معرفی و توصیه‌ها

- ۱ همه مطالب این کتاب با وسواس و دقت خاصی نوشته و انتخاب شده‌اند، جان کلامند و خلوصشان بالاست، از یک کلمه هم ساده نگذرید.
- ۲ هر فصل کتاب را به موضوعی اختصاص داده‌ایم، اول مطالب آموزشی آن‌ها را بخوانید، آن‌گاه به آزمون‌ها بپردازید.
- ۳ برخی از مباحث یا بخش‌ها، معدن طرح سؤال هستند و طراحان، نگاه ویژه‌ای به آن‌ها دارند این بخش‌ها با عنوان **خیلی مهم!** نشان داده شده‌اند.

گروه تألیف

- استاد اسماعیل محمدزاده: تألیف آزمون‌های ۱ تا ۵ و ۲۰ تا ۲۳
 - دکتر علی احمدنیا: تألیف آزمون‌های جامع کنکور (۲۸ تا ۳۱)
 - استاد شهریار قبادی: تألیف درسنامه‌ها + آزمون‌های ۶ تا ۱۹ و ۲۳ تا ۲۷
- سپاس از همه عزیزانی که برای تألیف، ارتقای کیفی و تولید این کتاب از جان مایه گذاشتند.

بازبینی علمی کتاب

- استاد سعید عنبرستانی، مدرس برتر شهر تهران (بازبینی درسنامه و آزمون‌ها)
- دکتر کیوان نایجی، مدرس برتر استان مازندران (بازبینی آزمون‌های و آزمون‌ها)

- دکتر حمیدرضا تاجیک، مدرس برتر شهر تهران (بازبینی درسنامهٔ املا)
- استاد باهر بحیرایی، مدرس برتر شهر همدان (بازبینی آزمون‌های املا)
- استاد مجید دلیری، مدرس برتر استان خراسان (بازبینی درسنامهٔ دستور زبان فارسی)
- دکتر علی احمدنیا، مدرس برتر شهر تهران (بازبینی آزمون‌های دستور زبان فارسی)
- دکتر عارفه سادات طباطبایی‌نژاد، مدرس برتر شهر تهران (بازبینی درسنامهٔ آرایه‌های ادبی)
- دکتر مه‌ری علوی‌نیا، سرگروه محترم استان زنجان (بازبینی آزمون‌های آرایه‌های ادبی)
- استاد منصور صالح‌نیا، مدرس برتر استان گیلان (بازبینی درسنامهٔ معنی، مفهوم و قرابت)
- دکتر فرهنگ شهبازی، سرگروه محترم استان همدان (بازبینی آزمون‌های معنی، مفهوم و قرابت)
- استاد فرحناز حسینی، مدرس برتر شهر البرز و ادمین گروه دبیران ادبیات ایران (بازبینی آزمون‌های جامع)

گروه ویراستاری

- ◀ سمیه حیدری (سر ویراستار دروس عمومی)
- ◀ آنیتا ملالی
- ◀ امیرحسین حیدری
- ◀ یوکابد کریمی
- ◀ زهرا خوشنود
- ◀ فائزه علی‌میری

گروه تولید

- ◀ سمیه جباری (مدیر واحد تولید)
- ◀ سمیرا سیاوشی (مدیر واحد تولید)
- ◀ محسن قلی‌زاده (صفحه‌آرای مرحلهٔ اول آزمون‌ها)
- ◀ میلاد صفایی (صفحه‌آرای مرحله نهایی و مدیر فنی)
- ◀ علی‌رضا بهستانی (صفحه‌آرای مرحلهٔ اول)
- ◀ فرحناز قاسمی (حروف‌چینی)
- ◀ زهرا فریدونی (امور اجرایی تولید)

گروه هنری

- ◀ محسن فرهادی (مدیر واحد هنری)
- ◀ تایماز کاویانی (طراح گرافیک)
- ◀ حسین شیرمحمدی (طراح جلد)
- ◀ حسام طلایی (تصویرگر)
- ◀ در پایان ضمن آرزوی بهترین‌ها برای همهٔ عزیزان مهروماهی، از زحمات و توجه ویژهٔ مدیریت انتشارات، آقای احمد اختیاری صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم.
- ◀ یک خدا قوت جانانه هم نثار وجود نازنین دوستان خوبمان در واحد چاپ و لیتوگرافی، فروش و روابط عمومی.

واژگان

■ واژگان مهم فارسی ۱		درسنامه
■ واژگان مهم فارسی ۲		
■ واژگان مهم فارسی ۳		
■ معانی کنایی		
■ معانی مجازی		
■ واژه‌های مترادف خیلی مهم!		
■ معنی دیگر خیلی مهم!		
■ عبارات قرآنی		
■ واژه‌های خفن (چند معنایی - معانی خاص) خیلی مهم!		
آزمون ۱	واژگان فارسی ۱	تست
آزمون ۲	واژگان فارسی ۲	
آزمون ۳	واژگان فارسی ۳	
آزمون ۴	ترکیبی	
آزمون ۵	ترکیبی خفن	
۲۰ تست		
۲۰ تست		
۲۰ تست		
۲۰ تست		
۲۰ تست		





واژگان مهم فارسی ۱

ستایش

اَفلاک*: آسمان‌ها، چرخ‌ها (شکل مفرد: فلک)

پیدا کردن*: آفریدن، خلق کردن

رُخسار*: چهره (هم‌معنی: عارض، سیما، عذار، وجنه)

رِزاق*: روزی‌دهنده (مرزوق: روزی داده‌شده)

زهی*: آفرین (معنی دیگر: از ادات افسوس / ویژگی هر

آلت موسیقی دارای زه)

فروغ*: روشنایی، پرتو

فضل*: بخشش، کرم، نیکویی (معنی دیگر: برتری، دانش)

کام*: سقف دهان (مجازاً: دهان، زبان / معنی دیگر: آرزو)

درس ۱

چشمه و سنگ

بَر زدن*: بیرون زدن، بالا آوردن (کف به دهان بر زدن:

کنایه از «خشمگین شدن»)

برازندگی*: لیاقت، شایستگی (مصدر: برازیدن)

پیرایه*: زیور (هم‌معنی: حلیه، حلیت)

تیزپا*: شتابنده، سریع

خیره*: سرگشته، حیران، فرومانده، لجوج، بیهوده

زهره‌در*: ترسناک (زهره‌در شدن: به ترس و وحشت

افتادن، بسیار ترسیدن)

شکن*: پیچ‌وخم زلف (معنی دیگر: شکننده، شکست)

غُلغله‌زن*: شور و غوغاکنان

گلبن*: بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل

گوش ماندن*: ساکت شدن (کنایه)

معرکه*: میدان جنگ، جای نبرد (معنی دیگر:

شگفت‌انگیز، عالی)

نادره*: بی‌نظیر، بی‌مانند (معنی دیگر: نادر)

نَمَط*: روش، نوع

نیلوفری*: به رنگ نیلوفر، لاجوردی، صفت نسبی، منسوب

به نیلوفر (برده نیلوفری: آسمان لاجوردی / پرده: حجاب)

همسری*: برابری (معنی دیگر: زناشویی، ازدواج)

هنگامه*: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم

وَرطه*: مهلکه، زمین پست، هلاکت (البته محل هلاکت

درست است.)

یله*: رها، آزاد (یله دادن: تکیه دادن)

درس ۲

از آموختن ننگ مدار

تیمار*: اندیشه، خدمت و محافظت از کسی که بیمار

باشد. (تیمار داشتن: غمخواری)

رَستن*: رها شدن، نجات یافتن (رُستن: روییدن)

ضایع*: تباه، تلف (معنی دیگر: نفله، هرز)

قربت*: خویشی و خویشاوندی (هم‌خانواده: مقرب)

مُحال*: دروغ، بی‌اصل، ناممکن

مُستغنی*: بی‌نیاز

مُولع*: شیفته، بسیار مشتاق، حریص، آزمند

(هم‌خانواده: وَلَع)

نموده*: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده (مصدر: نمودن)

خسرو

اِرْتِجالاً*: بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر

سرودن

اِسترحام*: رحم خواستن، طلب رحم کردن (ترحم:

رحم کردن)

اِستماع*: شنیدن، گوش دادن (مستمع: شنونده)

اِلزام*: ضرورت، لازم گردانیدن، واجب گردانیدن

اَندرز*: پند، نصیحت (هم‌معنی: موعظه)

اَوان*: وقت، هنگام (معنی دیگر: آغاز / هم‌معنی: عنفوان)

باری*: اَلْقَصَه، به هر حال، خلاصه (معنی دیگر: یک‌بار،

محموله‌ای، آفریننده)

بَدَسْگال*: بداندیش، بدخواه

بَدِگهر*: بدسرشت، بدذات، بدنژاد (گهر: اصل و نژاد، ذات)

فِیَاض*: بسیار فیض دهنده، بسیار بخشنده (معنی دیگر: رادمرد، جوانمرد، بخشنده)

قَرِیحه: ذوق، استعداد

قضا: فرمان دادن و حکم کردن، قضا و قدر

كُمَیْت*: اسب سرخ مایل به سیاه (کمیتش لنگ بود: کنایه از این که در کارش ضعف داشت.)

لاجرم*: ناگزیر، ناچار (هم معنی: لابد)

لَعِب*: بازی (لهو و لعب: خوشگذرانی)

لَمَنْ تَقول*: برای چه کسی می گویی؟

لَهُو*: بازی و سرگرمی، آنچه مردم را مشغول کند.

مألوف*: خو گرفته (معنی دیگر: اُلُفت گرفته)

متداول*: معمول، مرسوم

مُحاوره: گفت و گو کردن

مَخذول*: خوار، زبون گردیده (هم معنی: ذلیل)

مَسخرگی*: لطیفه گویی، دلچسپی

مُسکِر*: چیزی که نوشیدن آن مستی می آورد؛ مثل شراب.

مُطربی*: عمل و شغل مطرب (مطرب: کسی که نواختن ساز و خواندن آواز را پیشه خود سازد.)

مَعاصی*: گناهان (شکل مفرد: معصیت)

مغلوب*: شکست خورده، بازنده (هم معنی: مقهور)

مفتول*: سیم، رشته فلزی دراز و باریک

مُلتفت شدن*: آگاه شدن، متوجه شدن

منجلاب*: محل جمع شدن آب های کثیف و بدبو

مُندرس*: کهنه، فرسوده

مُنکر*: زشت، ناپسند

نصیب: قسمت و بهره

وقار: حالت فرد با متانت و سنگینی، شکوه و جلال

درس ۳

■ سفر به بصره

ادیب*: با فرهنگ، دانشمند، بسیار دان

اکرام: بزرگ داشتن، گرامی داشتن، احترام کردن

انعام: نعمت بخشیدن، بخشش، احسان (انعام: چهارپایان / نام سوره ای از قرآن مجید)

بَرزن: کوچه و محله

بِسْمَل کردن*: سر جانور را بریدن (از آنجا که مسلمانان در وقت ذبح جانور، بسم الله الرحمن الرحیم، می گویند، به همین دلیل به عمل ذبح کردن، بسمل کردن، گفته می شود.)

پلاس*: جامه ای کم ارزش، گلیم درشت و کلفت

تراویدن: چکیدن، ترشح کردن

تصدیق نامه*: گواهی نامه

تعلیقات*: پیوسته ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب (در این درس: نشان های ارتشی)

تقریر*: بیان، بیان کردن (هم خانواده: اقرار)

تکریم*: گرامی داشت

تکیده*: لاغر و باریک اندام

حُجَب*: شرم و حیا (هم معنی: آرم)

حَلَبی*: ورقه نازک فلزی، از جنس حَلَب (معنی دیگر: منسوب به حلب، شهری در سوریه)

خسروانی* خورش: خورش و غذای شاهانه (خسروانی: ۱- شاهان ۲- منسوب به خسرو، ایهام محسوب می شود.)

خودروی*: خودرأی، خودسر، لجوج

دانگ*: بخش، یک ششم چیزی

دوات*: مُرکَبدان، جوهر

رهاورد: سوغات، ارمغان

زنگاری*: منسوب به زنگار، سبزرنگ

شهناز*: یکی از آهنگ های موسیقی ایرانی، گوشه ای از دستگاه شور

صاحبدل*: عارف، آگاه

ضمایم*: همراهها، پیوسته ها (در این درس: نشان های دولتی، شکل مفرد: ضمیمه)

طبیعت*: خو، عادت، طبع و سرشت

طمأنینه*: آرامش، سکون و قرار (معنی دیگر: وقار)

عتاب کردن*: خشم گرفتن بر کسی، سرزنش کردن (معنی دیگر: غضب کردن)

عرض: بیان مطلبی با احترام و ادب (معنی دیگر: بهنا، مدت)
عَنودان*: ستیزه کاران، دشمنان و بدخواهان (شکل مفرد: عنود)

معنی مجازی

واژه	معنی	معنی مجازی	نشانی
اختر	ستاره، کوکب، نجم	شانس، بخت و اقبال	ف ۱ / درس ۹
افسر*	تاج و کلاه پادشاهان، صاحب منصب	سر سرداران	ف ۲ / درس ۸
آورند	تخت، اورنگ	فر و شکوه	ف ۳ / درس ۵
تروتباه	خیس و خراب	معنی ناخوش و حال بگشته	ف ۲ / درس ۱
حطام	ریزه گیاه خشک	مال اندک و بی ارزش	ف ۲ / درس ۱
درافشان	آن که دُر (مروارید) می افشاند.	شیرین سخن	ف ۲ / درس ۵
درویش	عارف، صوفی	فقیر و نیازمند	ف ۱ / درس ۶
دَم	نَفَس	سخن، لحظه	ف ۲ / درس ۲
دمیدن	فوت کردن، نفس بیرون دادن	روشن کردن	ف ۳ / درس ۱۲
دینار*	واحد پول، سکه طلا، مطلق پول است.	رشوه	ف ۳ / درس ۲
سپهر	آسمان	روزگار	ف ۲ / درس ۱۴
صدر	طرف بالای مجلس	ارزش و اعتبار	ف ۳ / درس ۱۴
کام*	سقف دهان	مراد، آرزو، قصد، نیت/ دهان	ف ۱ / درس ۱۲
مانده*	سفره‌ای که بر آن طعام باشد	خوردنی	ف ۱ / درس ۱۸
مشرقین	مشرق و مغرب	عالم، دنیا	ف ۱ / درس ۹
مناسک*	جاهای عبادت حاجیان	آداب، آیین‌ها و مراسم	ف ۲ / درس ۲
موبد*	روحانی، زرتشتی	مشاور	ف ۳ / درس ۱۲
نفوس*	نفس	انسان‌ها، موجودات زنده	ف ۱ / درس ۱۰
هفت افلاک	هفت آسمان، آسمان‌ها	همه هستی	ف ۱ / ستایش
وادی*	سرزمین	بیابان	ف ۳ / درس ۱۴
یال	موهای گردن اسب و شیر	گردن	ف ۱ / درس ۵

خیلی مهم!

مترادف (هم معنی)

واژه	معنی	مترادف	نشانی
آبخور	محلی که از آن جا آب بخورند	آبخور	ف ۱ / درس ۱۴
اِذِن*	اجازه، فرمان	رخصت، تجویز	ف ۲ / درس ۹
اَعْرَابِی	عرب بیابان‌نشین	تازی	ف ۱ / درس ۳
اِعْطَا*	واگذاری، بخشش، عطاکردن	دَهش	ف ۲ / درس ۹
افسر	تاج و کلاه پادشاهان	دیهم	ف ۳ / درس ۱۴



واژه	معنی	مترادف	نشانی
آکنده	پُر، انباشته	مشحون	ف ۱/۱ درس ۱۰
آهنگ	قصد و تصمیم	عزم	ف ۱/۱ درس ۷
التفات*	توجه	عنایت، اعتنا	ف ۲/۲ درس ۱۵
التماس	تقاضا، خواهش	لابه، تضرع	ف ۱/۱ درس ۱۶
التهاب*	برافروختگی، زبانه و شعله آتش	اضطراب	ف ۲/۲ درس ۹
انابت*	بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی	عذر	ف ۳/۳ درس ۱
اندرز	پند، نصیحت	موعظه	ف ۱/۱ درس ۲
اندیشیدن	فکر کردن	تأمل کردن	ف ۲/۲ درس ۶
انکار*	باور نکردن، نپذیرفتن	ابا، امتناع	ف ۲/۲ درس ۱۱
آوان*	وقت، هنگام	عنفوان	ف ۱/۱ درس ۲
آورند	تخت، آورنگ	سریر	ف ۳/۳ درس ۵
باده	شراب	مُل، می، صَهبَا، صَبوح	ف ۲/۲ درس ۱۵
باک	ترس، هراس	واهمه، خُوف، فَزَع	ف ۳/۳ درس ۶
بُخل	تنگ‌چشمی، مال‌پرستی	امساک، خِسْت	ف ۲/۲ درس ۵
برانگیختن	تحریک کردن	تحریض	ف ۱/۱ درس ۵
بُرنا	جوان	شاب، فتا	ف ۳/۳ درس ۷
بزم	جشن، مهمانی	سور، ضیافت	ف ۲/۲ درس ۹
بوم	جغد	بوف	ف ۱/۱ درس ۹
بیم	اضطراب، پروا، ترس	جُبْن، خوف، رُعب، فزع	ف ۳/۳ درس ۷
پَخمه	ساده و بی‌دست و پا، ناتوان	چُلْمَن	ف ۳/۳ درس ۱۶
پرتو	اشعه، تاب، تابش، درخشش، روشنایی	سو، شعاع، شعشعه، ضیا	ف ۳/۳ درس ۱۴
پیرایه*	زیور	حلیه، حلیت	ف ۱/۱ درس ۱
پیشوا	رهبر، سر، بزرگ گروه، راهنمای جماعت	زعیم	ف ۳/۳ درس ۱۴
پیک	قاصد، نامه‌بر	چاپار	ف ۲/۲ درس ۳
تاک	درخت انگور	رَز	ف ۳/۳ درس ۸
تدبیر	به پایان کاری نگریستن و در آن اندیشیدن	حزم، درایت	ف ۱/۱ درس ۲
تفرّجگاه*	گردشگاه، جای تفرّج، تماشاگاه	نزهتگاه	ف ۳/۳ درس ۹
تنگ‌نظر	حسود	بخیل	ف ۱/۱ درس ۲
تواضع	فروتنی کردن، افتادگی	خشوع	ف ۲/۲ درس ۵
ثبات	پایداری، دوام	سکون، استحکام	ف ۲/۲ درس ۱۸
ثمر	فایده، نتیجه، میوه، حاصل، بهره	بر	ف ۲/۲ درس ۱۰
جام	پیاله، کاسه	ساغر، قدح	ف ۲/۲ درس ۱۵
جاه*	مقام، درجه	رتبه، منزلت	ف ۱/۱ درس ۱۲

واژه	معنی	مترادف	نشانی
مُنزَه*	پاک و بی‌عیب	مُهذَّب، مُبْرَا	ف ۲/درس ۱۴
مَهیب*	ترسناک، ترس‌آور، هولناک	زهره‌در	ف ۱/درس ۱۱
مَوَاهِب	بخشش‌ها، موهبت‌ها	دهش‌ها، عطایا	ف ۳/درس ۹
موقّر*	باوقار، متین	وزین	ف ۲/درس ۱۶
مِی	شراب	صبح، باده، مَل، صُهبا	ف ۳/درس ۶
میغ	ابر	سحاب	ف ۱/درس ۱۴
ناطق	نطق‌کننده، سخنگو	خطیب	ف ۱/درس ۱۴
نقض کردن	باطل کردن، شکستن عهد و پیمان	فسخ کردن	ف ۲/درس ۵
نیاکان	اجداد، پدران	أسلاف، آباء	ف ۱/درس ۱۷
نیرنگ	فریب، حيله	خدعه، مکر	ف ۱/درس ۱۱
هلاک	نیست شدن، بسیار مشتاق	زوال	ف ۱/درس ۷
همت	قصد، اراده، عزم قوی	آهنگ، دلیری، شجاعت	ف ۱/درس ۱۱
واعظ*	پنددهنده، سخنور اندرزگو	ناصح، مذکّر	ف ۳/درس ۲
وامانده	درمانده، خسته	مستأصل، از پافتاده	ف ۲/درس ۱
وَجْد*	سرور، شادمانی و خوشی	شَعَف، انبساط	ف ۲/درس ۹
وسعت	توانگری، ثروت	وُسع، استطاعت	ف ۱/درس ۳
ولایات*	مجموعه شهرهایی که والی اداره دارد.	خطه، شهرستان	ف ۲/درس ۹
یل	پهلوان، دلاور، دلیر	گُرد	ف ۲/درس ۱۱

خیلی مهم!

معنی دیگر

۷

واژه	معنی اصلی	معنی دیگر	نشانی
آمیختن	رفت و آمد، معاشرت	مخلوط کردن	ف ۱/درس ۱۴
آهنگ	قصد، عزم، اراده	آواز، نوا	ف ۱/درس ۱۶
اتفاق	متحد بودن، همدلی	حادثه	ف ۲/درس ۶
اختلاف*	رفت و آمد	ناسازگاری	ف ۲/درس ۱۵
آسیب	آزار، آفت، بلا، ضرر، صدمه	تماس، سایش	ف ۲/درس ۱۲
اندرکشیدن	به درون کشیدن، به سوی خود کشیدن	نوشیدن	ف ۱/درس ۱۲
آوان*	وقت، هنگام	آغاز	ف ۱/درس ۲
بار	اجازه، اجازه حضور نزد شاه یا امیر	دفعه، مرتبه، ثمر	ف ۲/درس ۲
باره*	دیوار قلعه، حصار	اسب	ف ۱/درس ۱۳
باری*	الْقَصه، به هر حال، خلاصه	یک بار، محموله‌ای، آفریننده	ف ۱/درس ۲



واژه	معنی اصلی	معنی دیگر	نشانی
باز آمدن	نزدیک شدن	داخل شدن	ف ۱/ درس ۳
بازماندن	خسته شدن	به جا ماندن	ف ۱/ درس ۵
بالیدن	رشد کردن	افتخار کردن	ف ۱/ درس ۱۲
بَر	کنار، پهلو	آغوش، جسم، پهلو، خشکی	ف ۱/ درس ۱
برآمدن	گذشتن، گذشتن زمان، سپری شدن	ظاهر شدن	ف ۲/ درس ۱۲
براندیشیدن	ترسیدن، بیم داشتن، واهمه داشتن	فکر کردن	ف ۲/ درس ۱۲
بردمیدن*	خروشیدن، برخاستن	طلوع کردن	ف ۱/ درس ۱۳
برگرفتن	برداشتن	اخذ کردن، گرفتن	ف ۱/ درس ۶
بهرام*	سیارهٔ مریخ	یکی از نام‌های آقایان	ف ۱/ درس ۱۲
بوته	درخت کوچک که بسیار بلند نباشد.	ظرف گذاختن طلا و نقره	ف ۲/ درس ۵
بوم	جغد (نماد بدبختی و بلا)	سرزمین	ف ۱/ درس ۹
پاییدن	زیر نظر قرار دادن، توجه کردن	دوام داشتن	ف ۱/ درس ۱۱
پدرام*	آراسته، نیکو، شاد	پاینده، مانا	ف ۱/ درس ۱۳
تاب*	پیچ و شکن	پایداری، گرمی، صبر	ف ۱/ درس ۱۳
تافتن	تابیدن، تابش	تاب دادن، پیچیدن	ف ۲/ درس ۱
تجلی*	آشکار شدن، جلوه کردن	هویدا شدن	ف ۱/ درس ۱۰
تحیر	حیران شدن، سرگشته شدن	یکی از مراحل عرفان	ف ۱/ درس ۸
تخلص*	رهایی	عنوان و لقب شاعری	ف ۲/ درس ۱۵
تقدیر	سرنوشت، قضا و قدر، مشیت الهی	اندازهٔ چیزی را نگه داشتن	ف ۲/ درس ۱۰
تگ*	دویدن	عمق، پایین	ف ۲/ درس ۱۵
تیز*	تند و سریع	هر چیز بُرنده، مقابل کند	ف ۱/ درس ۱۲
تیغ	شمشیر، هر آلت تیز و برنده	خار، تیزی سرکوه، تابش	ف ۱/ درس ۱۲
تیمار*	مواظبت، مراقبت	غم و رنج	ف ۲/ درس ۱۵
جامه	گسترده‌نی، فرش	لباس	ف ۲/ درس ۲
جبار*	مسلط، یکی از صفات خداوند تعالی	ستمگر	ف ۱/ درس ۷
جَزَا*	پاداش کار نیک	مجازات بدی، کیفر	ف ۳/ ستایش
جمله	همه، همگی	خلاصه، عبارت	ف ۱/ درس ۱۴
چشم‌پوشیدن	بی‌اعتنایی نمودن، نادیده انگاشتن (کنایه)	مردن (کنایه)	ف ۳/ درس ۹
حالی	فوراً، به محض این که	حال و وضعیتی	ف ۱/ درس ۱۶
حَسْر*	رستاخیز، قیامت	برائگیختن	ف ۲/ نیایش
حصار	دیوار	زندان، قلعه	ف ۲/ درس ۹
حضرت*	آستانه، پیشگاه، درگاه	حضور، برای احترام پیش از نام بزرگان	ف ۲/ درس ۷
حَقّه*	جعبه، صندوق	حیله، کلک	ف ۱/ درس ۶



عبارات قرآنی

- وَالصَّافَاتِ صَفَاً (سوگند به صف بستگان که صفی ابا شکوه] بسته‌اند) ۵ | ۱
- وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللهُ وَ اللهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.) ۷ | ۱
- الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ (صبر کلید گشایش و فرج است.) ۷ | ۱
- الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ (روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو) ۷ | ۱
- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (هر نفسی، چشنده مرگ است. همه می‌میرند.) ۹ | ۱
- اَلَا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (با ذکر خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.) ۱۰ | ۱
- وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (و مپندارید آن کسانی را که کشته شده‌اند در راه خدا مرده اند، بلکه زنده‌اند.) ۱۱ | ۱
- كُلُّ اِنَاءٍ يَتَرَشَّحُ بِمَا فِيهِ (هر ظرفی ترشح می‌کند آنچه در آن است.) ۱۴ | ۱
- تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ (هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی، و هر که را بخواهی خوار می‌کنی.) ۱۶ | ۱
- لَا تَدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ (چشم‌ها او را نمی‌بینند؛ ولی او همه چشم‌ها را می‌بیند.) ۱۸ | ۱
- اِذْهَبَا اِلَيَّ فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغَى فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا (به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد.) ۳ | ۲
- اِنِّي خَالِقِ بَشَرٍ مِّنْ طِينٍ (من بشری را از گل خواهم آفرید.) ۷ | ۲
- اِنِّي اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (من [خداوند] چیزهایی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.) ۷ | ۲
- وَ عَلَّمَ آدَمَ الْاَسْمَاءَ كُلَّهَا (همه نام‌ها را به آدم آموخت) ۷ | ۲
- اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلَي السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَاَبَيْنَ اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَ اَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان، آن را بر دوش کشید. به درستی که او بسیار ستمگر و نادان بود.) ۷ | ۲
- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ (هیچ نیرو و توانی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست.) ۱۰ | ۲
- كُلُّ شَيْءٍ يَّرْجِعُ اِلَيَّ اَصْلِهٖ (هر چیزی عاقبت به اصل خودش برمی‌گردد.) ۶ | ۳
- اِذَا اَحَبَّ اللهُ عَبْدًا عَشَقَهُ وَ عَشَقَهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ عَبْدِي اَنْتَ عَاشِقِي وَ مَحْبِي وَ اَنَا عَاشِقُ لَكَ وَ مَحِبُّ لَكَ، اِنْ اَرَدْتَ اَوْ لَمْ تُرِدْ (زمانی که بنده‌ای محبوب خدا می‌شود، خداوند او را عاشق خویش می‌گرداند و خود نیز به او عشق می‌ورزد. سپس می‌گوید: بنده من! تو عاشق و دوستدار منی و من نیز عاشق و محب تو هستم، چه بخواهی چه نخواهی) ۷ | ۳
- وَ فِي الْاَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ وَ فِي اَنْفُسِكُمْ اَفَلَا تُبْصِرُونَ (و در زمین نشانه‌هایی [آیاتی] است برای اهل یقین و در وجود خودتان، پس چرا نمی‌بینید.) ۱۴ | ۳
- وَ مَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللهَ رَمٰى (و پرتاب کردی چه پرتاب کردنی در حالی که خدا اتیرا را پرتاب کرد.) ۱۶ | ۳

الف) چندمعنایی

واژه	معنی ۱	معنی ۲	معنی ۳	نشانی
آزگار	زمانی دراز	به طور مداوم	تمام و کمال	ف ۳ / درس ۱۶
اجل	زمان مرگ	مرگ		ف ۱ / درس ۹
ادبار	نگون بختی	پشت کردن		ف ۲ / ستایش
ادیب	بافرهنگ، آداب دان	دانشمند، بسیار دان	ادب شناس، سخن دان	ف ۱ / درس ۳
ارادت	میل و خواست	اخلاص	علاقه و محبت همراه با احترام	ف ۳ / درس ۹
اشرف	شریف‌تر	گرانمایه‌تر	افراشته‌تر	ف ۱ / درس ۹
اطوار	رفتار	سخن ناخوشایند و نابه‌هنجار		ف ۳ / درس ۱۶
افسر	تاج دیهیم	کلاه پادشاهی	صاحب منصب	ف ۱ / درس ۱۳
اقبال	نیکبختی	روی آوردن		ف ۲ / ستایش
اکرام	بزرگ داشتن	بخشش داشتن	احترام کردن	ف ۱ / نیایش
الحاح	اصرار	درخواست کردن		ف ۲ / درس ۱۲
اندیشه	بدگمانی	اندوه	ترس و اضطراب / فکر	ف ۳ / درس ۱۲
اهتزاز	افراشته	جنبیدن		ف ۲ / درس ۹
باره	دیوار قلعه	حصار	اسب	ف ۱ / درس ۱۳
باز بسته	وابسته	پیوسته و مرتب		ف ۳ / درس ۸
بسیج	فراهم کردن	آمدگی		ف-۱ نیایش
بطالت	بیکاری	بیهودگی	کاهلی	ف ۳ / درس ۹
پدرام	آراسته	نیکو	شاد	ف ۱ / درس ۱۳
پلاس	جامه‌ای کم‌ارزش	گلیم درشت و کلفت		ف ۱ / درس ۲ و ۳
تأثر	اثرپذیری	اندوه		ف ۲ / درس ۱۶
تجلی	جلوه‌گری	روشنی	پدیدار شدن چیزی درخشان	ف ۱ / درس ۱۱
تعلل	عذر و دلیل آوردن	به تعویق انداختن انجام کاری	درنگ / اهمال کردن	ف ۳ / درس ۱۱
تکلف	رنج بر خود نهادن	خودنمایی	تجمل	ف ۱ / درس ۱۰
تنگ	دویدن	عمق		ف ۲ / درس ۱۵



واژه	معنی ۱	معنی ۲	معنی ۳	نشانی
نهیب	فریاد	هراس	هیبت	ف ۲ / درس ۹
وادی	سرزمین	بیابان		ف ۳ / درس ۱۴
ورطه	مهلکه، هلاکت	زمین پست، منجلاب	خطر و دشواری	ف ۱ / درس ۱
وظیفه	مقرری	وجه معاش		ف ۳ / درس ۱
ویله	صدا	آواز	نال	ف ۱ / درس ۱۳
همسری	برابری	زناشویی		ف ۱ / درس ۱

ب) معانی خاص

واژه	معنی خاص	نشانی
آبنوس	درختی است که چوب آن سیاه، سخت، سنگین و گران‌بهاست	ف ۱ / درس ۱۲
آخته	بیرون کشیده، برکشیده	ف ۳ / درس ۱۷
آخره	قوس زیر گردن، چنبره گردن	ف ۱ / درس ۵
آغوز	اولین شیری که یک ماده (انسان یا حیوان) به نوزادش می‌دهد.	ف ۲ / درس ۵
آماس	ورم، تورم	ف ۲ / درس ۵
آوند	آونگ، آویزان، آویخته	ف ۳ / درس ۵
ابدال	مردان کامل	ف ۱ / درس ۱۴
اختلاف	رفت و آمد	ف ۲ / درس ۱۵
ارتفاع	محصول زمین‌های زراعتی	ف ۳ / درس ۱۲
استبعاد	دور داشتن، بعید شمردن چیزی	ف ۳ / درس ۸
استسقا	نام مرضی که بیمار، آب بسیار خواهد.	ف ۲ / درس ۵
اشباه	همانندها	ف ۱ / درس ۱۴
اشتیاق	میل قلب است به دیدار محبوب	ف ۳ / درس ۶
اعتبار	پند و عبرت گرفتن	ف ۱ / درس ۷
افسرده	منجمد، سرمازده	ف ۳ / درس ۱۴
افگار	مجروح، خسته	ف ۲ / درس ۱
آکناف	اطراف، کناره‌ها	ف ۳ / درس ۱۴
انبان	کیسه‌ای بزرگ از پوست دباغی شده گوسفند	ف ۱ / درس ۱۶
انبساط	حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد، خودمانی شدن	ف ۳ / درس ۱



آزمون ۱ - واژگان فارسی ۱



۱. عبارت زیر در تعریف کدام واژه است؟

«زیان یا آسیبی که شخص به خاطر خطاکاری، بی‌توجهی یا آسیب رساندن به دیگران ببیند.»
 (۱) تاوان (۲) تکلف (۳) ادبار (۴) اکتفا

۲. در کدام گزینه یکی از واژه‌ها مترادف واژه «خیره» نیست؟

(۱) سرگشته، بیهوده (۲) حیران، لجوج (۳) فرومانده، لجوج (۴) بیهوده، نادان

۳. در همهٔ گزینه‌ها، هر سه معنی پیشنهادی درست است به جز:

(۱) طبیعت: طبع، خو، عادت (۲) کام: آرزو، نیت، قصد
 (۳) نجابت: اصالت، ادب، پاک‌منشی (۴) نظاره کردن: نگریستن، نظر کردن، تماشا کردن

۴. یکی از واژه‌های کدام گزینه با سایر واژه‌های همان گزینه متناسب نیست؟

(۱) منجلاب، مهلکه، حضيض، تالاب (۲) درع، سلیم، خفتان، خود
 (۳) کله، آخره، گرده، غارب (۴) لگام، بارگی، سنان، فتراک

۵. معنی روبه‌روی کدام واژه نادرست است؟

(۱) صبا: بادی که از طرف شمال شرقی می‌وزد. (۲) تَلَطَف: طلب توجه و مهربانی و رفتار نرم.
 (۳) مُقَرَى: کسی که آیات قرآن را به آواز خواند. (۴) تاب: چرخ و پیچ که در طناب و کمند و زلف می‌باشد.

۶. معنی کدام لغت نادرست است؟

(۱) تعلیقات: پیوست‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب.
 (۲) رایزن: کسی که با دیگران در امری مشورت می‌کند.
 (۳) آبنوس: درختی است که چوب آن سیاه، سخت، سنگین و گرانبه‌است.
 (۴) توش: توانایی تحمل سنگینی یا فشار

۷. معنی هر دو واژه کدام گزینه درست است؟

(۱) اسطوره، عامل: الگو، والی (۲) فلق، تناور: فجر، فربه
 (۳) دولت، بردمیدن: زمان فرمانروایی، حمله کردن (۴) فراز آمدن، سمنند: پیروزی، زرده

۸. معنای هر دو گروه کدام گزینه درست است؟

(الف) محال، مولع، زهی: اندیشهٔ باطل، آزمند، آفرین (ب) حدیث، حقه، مشوش: ماجرا، صندوق، پریشان
 (ج) شوخ، قیّم، بنشن: آلودگی، سرپرست، توشه (د) تازی، معاش، مخمصه: عربی، کار کردن، تنگنا
 (۱) الف - د (۲) ج - د (۳) ب - ج (۴) الف - ب

۹. در کدام گزینه معنی یکی از واژه‌ها نادرست است؟

(۱) سردمدار، غنا، مشیت: رئیس، بی‌نیازی، اراده
 (۲) نسیان، معرکه، کفاف: فراموشی، جنگ، به اندازهٔ کافی
 (۳) زجر، وتر، سپردن: اذیت، چله کمان، طی کردن
 (۴) ستوه، کوس، هم‌آورد: خسته، دهل، رقیب



آزمون ۵ - ترکیبی خفن



۱. معنی کنایی داده کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) خشت زدن: تلاش کردن
(۲) باز کردن مو: اصلاح موی سر
(۳) سپر انداختن: تسلیم شدن
(۴) پنجه کردن: درافتادن

۲. معانی داده شده، برای هر یک از واژه‌ها کاملاً درست است به جز:

- (۱) عربده: فریاد پر خاش جویانه برای برانگیختن دعوا و هیاهو (۲) بسمل کردن: ذبح کردن و سر جانور را بریدن
(۳) مسکر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد مثل شراب (۴) عتاب کردن: کسی را صدا کردن به قصد پند دادن

۳. معنی روبه‌روی کدام واژه یا واژه‌ها کاملاً درست است؟

- (۱) ارتفاع ولایت: گسترش کشور و کشورگشایی
(۲) استبعاد داشتن: دچار شگفتی شدن بابت انجام نگرفتن کاری
(۳) کتاده چیزی را کشیدن: خواستار چیزی بودن
(۴) طرح ظلم افکندن: از بین بردن ظلم

۴. توضیح کدام واژه نادرست است؟

- (۱) استغنا: بی‌نیازی سالک از هر چیز جز خدا
(۲) فقر: از مراحل سلوک که عبارت است از نیازمندی به خدای تعالی و بی‌نیازی از خلق.
(۳) طلب: تحقق بنده است به حق، به طوری که حق، قوای بنده باشد.
(۴) تجرید: خالی شدن قلب سالک از آنچه غیر خداست.

۵. معنی واژه‌های مشخص شده عبارت زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«موش گفت: «عادت اهل مکرمت این است و عقیدت ارباب مودت بدین خصلت پسندیده و سیرت ستوده در موالات تو صافی‌تر گردد و ثقت دوستان به کرم عهد تو بیفزاید.» و آن‌گاه به جد و رغبت بندهای ایشان تمام ببرید و مطوقه و یارانش مطلق و ایمن بازگشتند.»

- (۱) بخشش، دوست داشتن، کامل، آزاد
(۲) بزرگی، دوست بودن، خالص، آسوده
(۳) جوانمردی، دوستی گرفتن، بی‌غش، رها شده
(۴) بزرگواری، دوستی، مؤثر، رها

۶. در هر بیت دو بار واژه «تگ» به کار رفته است. در کدام بیت این واژه به دو معنی متفاوت به کار رفته است؟

- (۱) چون کند باره بور تو به صحرا تگ و پوی
(۲) یکی رخس را تیز بنمود ران
(۳) از تگ دوزخ به بهشتی روند
(۴) گشتی ازین سگ منشان تیز تگ
باز مانند همی آهو و گور از تگ و تاز
تگ گور شد از تگ او گران
وز تگ طوبی به گلستان شوند
همچو تگ آهوی وحشی ز سگ

۷. در کدام گزینه معنی دو واژه اشتباه آمده است؟

- (۱) مخاطره، همگان، کلون، کذا: خطر، همه، چفت، چنین
(۲) سیادت، تخلص، معونت، وقیعت: بزرگی، رهایی، دشواری، بدگویی
(۳) ورطه، گرز، مرهم، خنیده: خطر، کوپال، التیام بخش، مجروح
(۴) حشم، صعب، دربايست، خیرخیر: خدمتکار، دشوار، ضرورت، بیهوده

املا

<ul style="list-style-type: none"> ■ واژگان املايي مهم فارسي ۱ ■ واژگان املايي مهم فارسي ۲ ■ واژگان املايي مهم فارسي ۳ ■ واژگان هم آوا (هم آواشناسي) خیلی مهم! ■ حروف املايي در واژه‌هاي مهم خیلی مهم! ■ ۱۰ نکته مهم املاي کنکور (باریک تر از مو) خیلی مهم! 		درسنامه
آزمون ۶	تیپ ۱ - املاي کلمه‌اي	۲۰ تست
آزمون ۷	تیپ ۲ - غلط املايي در گروه کلمات	۲۰ تست
آزمون ۸	تیپ ۳ - غلط املايي در بيت و عبارت	۲۰ تست
آزمون ۹	تیپ ۴ - غلط شمارشي املايي	۲۰ تست





واژگان املائی فارسی ۱

فصل ۱

ار تجالاً و بی‌درنگ (هم‌معنی هستند).
 از داور مستغنی (از قاضی بی‌نیاز) استغنا، غنی
 انسان حرام‌خوار (کسی که حرام می‌خورد).
 بحر خروشنده (دریای خروشان) بحار، بحور
 عادت مألوف (عادت خوگرفته) هم‌خانوده: اُلفت
 قربت و قرابت (خویشاوندی خود) قریب، اقربا، مقرب، تقریب
 مخذول و نالان (خوار و نالان) خذلان (خواری)
 منسوب و وابسته (نسبت داده شده به او) انتساب، نَسب
 نصاب الصبیان (نام کتابی است). نصاب (حد معین از چیزی)، صبیان (کودکان)
 نصیب و بهره (هم‌معنی هستند).
 نمط و روش (هم‌معنی هستند).
 ورطه و مهلکه (زمین پست) هلاک، هالک
 وقار و طمأنینه (هم‌معنی هستند). موقر
 هلیم چرب (نوعی غذای چرب)

فصل ۲

ادا و اطوار (حرکات و رفتار) طور
 برپای خاستن (بلند شدن)
 بیغوله و کنج (هم‌معنی هستند).
 زندگی مُرفه (زندگی راحت) رفاه، ترفیه
 شندرغاز (پول ناچیز)
 غرض و مقصود (هم‌معنی هستند). اغراض، مقاصد
 غم غربت (غم دوری از وطن)
 گذاردن و گذاشتن (عبور کردن، راه دادن)
 مسلخ گرمابه (رخت‌کن حمام) سَلّاخ
 طمأنینه و آرامش هم‌معنی هستند.
 وقب و فرورفتگی (هم‌معنی هستند). اوقاب (وقب‌ها)
 یال و غارب (گردن و میان دو کتف) غوارب (غارب‌ها)

فصل ۳

انهار و اشجار (رودها و درختان) نهر
 زَلّت و گناه (هم‌معنی هستند).
 زینهار و برحذر (هم‌معنی هستند).
 فرقت و وُصَلت (دوری و پیوند) فراق / وصل، واصل
 لثیمی و کریمی (پستی و بزرگی) لثامت
 نقض پیمان (شکستن پیمان) ناقض، نقیض

فصل ۴

آب اجل (آب مرگ، اضافه تشبیهی)
 خاسته تا عرش (برآمده تا عرش) خاستن (برآمدن)
 خذلان و درماندگی (هم‌معنی هستند)
 دیوارهٔ اهرام (دیوارهٔ هرم‌ها)
 صولت حیدری (شکوه حیدری)
 عمارت کردن (آباد کردن)
 نفخ صور (دمیدن در بوق)

فصل ۵

اذیت و آزار (هم‌معنی هستند). موذی (اذیت‌کننده)
 از نظر قالب (از نظر شکل)
 اسیر و اُسرا (هم‌خانواده هستند).
 بدر و حُنین (نام دو جنگ)
 تقریظ بر کتاب (ستودن کتاب)
 توسّل به خدا (نزدیکی جستن به خدا) متوسّل
 جزر و مدّ (پایین رفتن و بالا آمدن آب)
 حَرَس و نگهبان (هم‌معنی هستند).
 حک شدن (تراشیدن، کندن) حَکاک
 سطور کاغذ (سطرهای کاغذ)
 صلوات غرّا (درود فصیح) صلوات
 علم‌دار تحوّل (پرچم‌دار تحوّل)
 مراتب قُرب (مراحل نزدیکی) مقرب، اقربا (نزدیکان)



واژه‌های هم‌آوا

خیلی مهم!

بالطبع	از روی طبع و میل	آج	برجستگی روی سوهان یا لاستیک
بالتبع	در نتیجه (تابع)	عاج	دندان فیل
براعت	کمال فضل و ادب، برتری	آجل	آینده، آتی
برائت	بیزاری	عاجل	شتاب کننده (عجله)
بهار	فصل اول سال	آزار	اذیت
بحار	دریاها	آذار	ماه رومی
بهر	بهره	آذر	ماه نهم شمسی، آتش
بحر	دریا	آزر	عموی حضرت ابراهیم
پر تغال	نام کشوری است.	اثاث	لوازم خانه
پرتقال	نام میوه ای است.	اساس	بنیاد، پایه (مؤسس)
تأثر	رنج بردن	الغا	لغو کردن (ملغی)
تعسر	در سختی و تنگنا (عسرت)	القا	تلقین کردن، آموختن
تألم	دردمندی (الیم)	آلم	درد و رنج
تعلم	علم آموختن (تعلیم)	عَلَم	درفش، پرچم
تراز	ابزار بتایی	امارت	حکومت امیر (امارات: نشانه‌ها)
طراز	ردیف و برابری	عمارت	خانه، بنا (معمار)
تصفیه	پاک کردن (صاف)	أمل	آرزو (آمال)
تسویه	مساوی کردن (سوا)	عمل	کار (اعمال)
تهدید	ترساندن	انتساب	نسبت داشتن (منتسب)
تحدید	حدّ و مرز را مشخص کردن	انتصاب	نصب کردن، گماشتن (منسوب)
جذر	ریشه گرفتن	اصرار	پافشاری (مُصر)
جزر	پس رفت آب دریا	أسرار	رازها (سرّ)
خواستن	درخواست و خواهش	اشباح	سایه‌ها (شبح)
خاستن	برآمدن، برخاستن	اشباه	مانندها (شبهه)
حایل	آنچه میان دو چیز واقع شود.	ابا	امتناع و خودداری
هایل	ترسناک (هول)	عبا	نوعی جامه
حوزه	ناحیه	اثرات	نشانه‌ها (اثر)
حوضه	آبگیر، حوض	عشرات	خطاها و لغزش‌ها



حروف املایی در واژه‌های مهم

خیلی مهم!

۵

ء (همزه)

بی‌شانیه: بدون شک
تأثر: ناراحتی
جبرئیل: فرشته
رأفت: مهربانی
لنیمی: پستی
مألوف: خو گرفته
مأوا: جایگاه
مانده: غذا
مبدأ: محل آغاز

الف

اجل: مرگ
ارتجالاً: بی‌درنگ
فرنگی مآب: مانند
فرنگی‌ها

ت

تب: بالا رفتن دمای بدن
تپش: ترس
تعب: رنج
تل: تپه
ستور: تپه
حیات: زندگی
غلتیدن: روی هم رفتن
متواتر: پی در پی

ث

أثنا: میان
ثقت: اطمینان
ثنا: ستایش
جُثه: هیكل

حُبث: پلیدی

ح

احوال: حال‌ها
بحر: دریا
چند صباح: چند روز
الحاح: پافشاری
حجره: اتاق
حدّث: شدت
حرس: نگهبان
حرم: کعبه

حشر: زنده شدن

حشم: خدمتکاران
حطام: مال بی‌ارزش

حک: تراشیدن

حلال: مقابل حرام

حلاوت: شیرینی

حلول: آغاز

حلیه: زیور

حمایل: آویخته

رَشحه: قطره

شرحه شرحه: پاره پاره

قریحه: ذوق و استعداد

لحن: آهنگ کلام

محجوب: پنهان

محراب: بخشی از مسجد

محمل: کجاوه

مسحور: جادو شده

موحش: ترسناک

نواحی: اطراف

وقاحت: بی‌شرمی

ذ

إذن: اجازه

اعتذار: عذرخواهی

بذله: شوخی

حاذق: زیرک

حذر: دوری

خذلان: درماندگی

ذله شدن: خسته شدن

ذلیل: بی‌ارزش

ذی‌حیات: جاندار

ز

آز: حرص

تزویر: دورویی

تعزیه: عزاداری

جزر: نوسان آب دریا

زایل: از بین رفته

زُل زدن: خیره شدن

زالال: شفاف

زَلت: گناه

زَهْر: سم

غزّا: جنگ

گزاردن: انجام دادن

نزّه: باصفا

س

استسقا: مرض آبخوری

اسرار: رازها

باسق: بلند

توسل: نزدیکی

رسا: بلند

ساعد: بخشی از دست

سریر: تخت

سلاح: اسلحه

سلب: ربودن

سمن: یاسمن

سوت: وسیله‌ای برای

تولید صدا

سور: جشن

سورت: شدت

سوق دادن: راندن

سیادت: سروری

شست: انگشت

مسلخ: رختکن

مناسک: مراسم

منسوب: نسبت داده شده

ص

شصت: عدد

صباح: زیبایی

صخره: سنگ سخت

صدر: سینه

صواب: کار درست

صور: بوق

صورت: ظاهر

صولت: شکوه

مُصّر: کسی که پافشاری

کند

نصیب: قسمت و بهره

ض

روضه: باغ

۱ برای تشخیص نوع «گذار» و «گزار» بهتر است این گونه عمل کنید:
 «گزاردن» به معنی: انجام دادن، به جا آوردن، تعبیر کردن
 «گذاشتن» به معنی: نصب کردن، وضع کردن و رها کردن
 همیشه باید ببینید که واژه مورد نظر به گزاردن تمایل دارد یا گذاشتن

شکر گزار	(شکر گزاردن)	سرمایه گزار	(سرمایه گذاشتن)
نماز گزار	(نماز گزاردن)	سپاس گزار	(سپاس گزاردن)
فرو گزار	(فرو گذاشتن)	خدمت گزار	(خدمت گزاردن)
پایه گزار	(پایه گذاشتن)	نام گذاری	(نام گذاشتن)

۲ واژه‌هایی که دو شکل املائی دارند:

اولی / اولو (اولوالباب)؛ قُرق / قوروق؛ مسنول / مسؤول؛ زغال / ذغال؛ جرئت / جرأت؛ جناق / جناغ

۳ هر وقت بر سر فعلی که با همزه شروع می‌شود «ب، م، ن» بیاید، همزه به «ی» تبدیل می‌شود:

ب + انداخت ← بینداخت بیفکند

این نوع غلط‌ها با عنوان غلط رسم الخطی در کنکور آورده می‌شوند.

۴ در کنکور سراسری «تشدید» جزو غلط‌ها به حساب نمی‌آید.

۵ در زبان فارسی، کلماتی اهمیت املائی بیشتری دارد که یک یا چند حرف از حروف شش گانه زیر در آن باشد.

ع، ء	ت، ط	ح، ه	ذ، ز، ض، ظ	ث، س، ص	غ، ق
------	------	------	------------	---------	------

۶ برای مشخص شدن شکل املائی هر واژه باید ریشهٔ واژه (هم خانواده)، روابط معنایی (تضاد، تناسب...)، هم‌نشینی با سایر واژه‌ها، توجه کرد.

۷ اگر به شکل املائی واژه‌ای شک دارید، می‌توانید به عنوان یک راه حل، شکل دیگری را که به ذهنتان می‌آید بنویسید و مقایسه کنید.

۸ به یاد داشته باشید در برخی از متن‌ها، املائی همه واژه‌ها درست است اما جایی که قرار گرفته‌اند نادرست است. در میان آن همه سختی و سنگ‌های بزرگی که راه را سد کرده بودند، **صخره** فرمانده بیشتر آزارمان می‌داد.

املائی «صواب» درست است اما جای «ثواب» به معنی پاداش در این جمله نیست.

۹ اگر در متنی نمی‌توانید غلط املائی بیابید احتمالاً یک غلط بیشتر وجود ندارد.

۱۰ یک فرضیه هم در مواقع بحران می‌تواند به کمک شما بیاید، واژه‌هایی که تا حالا با آن‌ها برخورد نکرده‌اید و کاملاً غریبه هستند، معمولاً املائی درستی دارند و توصیه می‌شود بیهوده خود را با آن‌ها درگیر نکنید.



آزمون ۶ - املاي کلمه‌های



۱. در عبارت «که غرقه خاست شد. بانگ و هزاهز و غریو خواست و امیر برخاست مخنغه در گردن و عقدی همه کافور» کدام گزینه از نظر املايي درست است؟

- (۱) غرقه خاست شد (۲) غریو خواست (۳) مخنغه در گردن (۴) امیر برخاست

۲. در عبارت «چون زیر طاقش بردند گفت: معراج مردان سرِ دار است و گفت ایشان را دو صواب است و شما را یکی، خلق در کار متحیر شده و منکر بی‌غیاث و مقرر بی‌شمار پدید آمدند و یافتند که او از اصرار با خلق سخن می‌گوید» املاي کدام گزینه درست است؟

- (۱) طاق (۲) اصرار (۳) صواب (۴) غیاث

۳. در عبارت «او با وحشت برخواست، بیرون آمد، در بالای سرش تَلالُو ستارگان را می‌نگریست. گفت: بخوان به نام خدایی که خلق کرد انسان را از علق و این غار حرا مرکز تخیلات و منبع الهامات غیبی بود و از بالای این کوه، قوافلی در راه مکه رفت و آمد می‌کردند.» املاي کدام گزینه غلط است؟ (هنر ۸۰)

- (۱) الهامات (۲) برخواست (۳) تَلالُو (۴) قوافلی

۴. در جمله‌های «به خاطر گذشت که درس و بحث مدرسه را بگذارم و راه صحرا پیش گیرم زیرا شاگردان چنین بانگ و فریاد می‌کردند که غُلغله آن‌ها به کوی و برزن می‌رفت. آن روز اتاق درس را اُبحت و شکوهی فرا گرفته بود و معلّم با عینک درشت و ستبر خویش به نوشته‌های نگرِیست و تَرکِ دوستان، مرا متأثر می‌کرد. معلّم به من گفت: ای فرزند، تو را سرزنش نمی‌کنم، زیرا به قدر کفایت متنّبّه شده‌ای» املاي کدام کلمه غلط است؟ (هنر ۸۰)

- (۱) اُبحت (۲) بگذارم (۳) ستبر (۴) متأثر

۵. در متن «نزدیک آمد که این هراس، ضُجرت بر من چیره گرداند و در موج ضلالت اندازد. چه، علم متروک و جهل مطلوب و مروّت منزوی و دوستی‌های ضعیف و عداوت‌های قوی و شیران فارق و محترم و راستی مهجور و حرص غالب و قناعت مغلوب و عالم غدار بدین معانی شادمان است» املاي کدام کلمه، نادرست است؟ (تجربی ۸۱)

- (۱) ضلالت (۲) ضُجرت (۳) مهجور (۴) فارق

۶. در عبارت «مرا مقرر شد که انواع هول و خطر و رنجِ حذر و مشقّت سفر برای متاعی قلیل و بر حریص آسان‌تر که دست دراز کردن بر قبض مال برسخی و عاقل را از حُطام این دنیا به کفاف خرسند باید بود و بدان قدر که حاجت نفسانی فرو نماند قانع گشت.» املاي کدام کلمه غلط است؟ (زبان ۸۴)

- (۱) حطام (۲) متاع (۳) هول (۴) حذر

۷. در متن زیر کدام واژه از نظر املايي غلط است؟
«درختی که در شورستان روید و از جانب آسیبی می‌یابد، نیکو حال‌تر از درویشی است که به مردمان احتیاج باشد که مذلت حاجت کار دشوار است و گفته‌اند که درویشی اصل بلاها و ذایل‌کننده زور و حمیت است و هر که پادشاهی که از دشت هزیمت فارغ باشد، مخاصمت کند، مرگ را به حیلت به خویشان راه داده باشد.»

- (۱) هزیمت (۲) مذلت (۳) ذایل (۴) حمیت

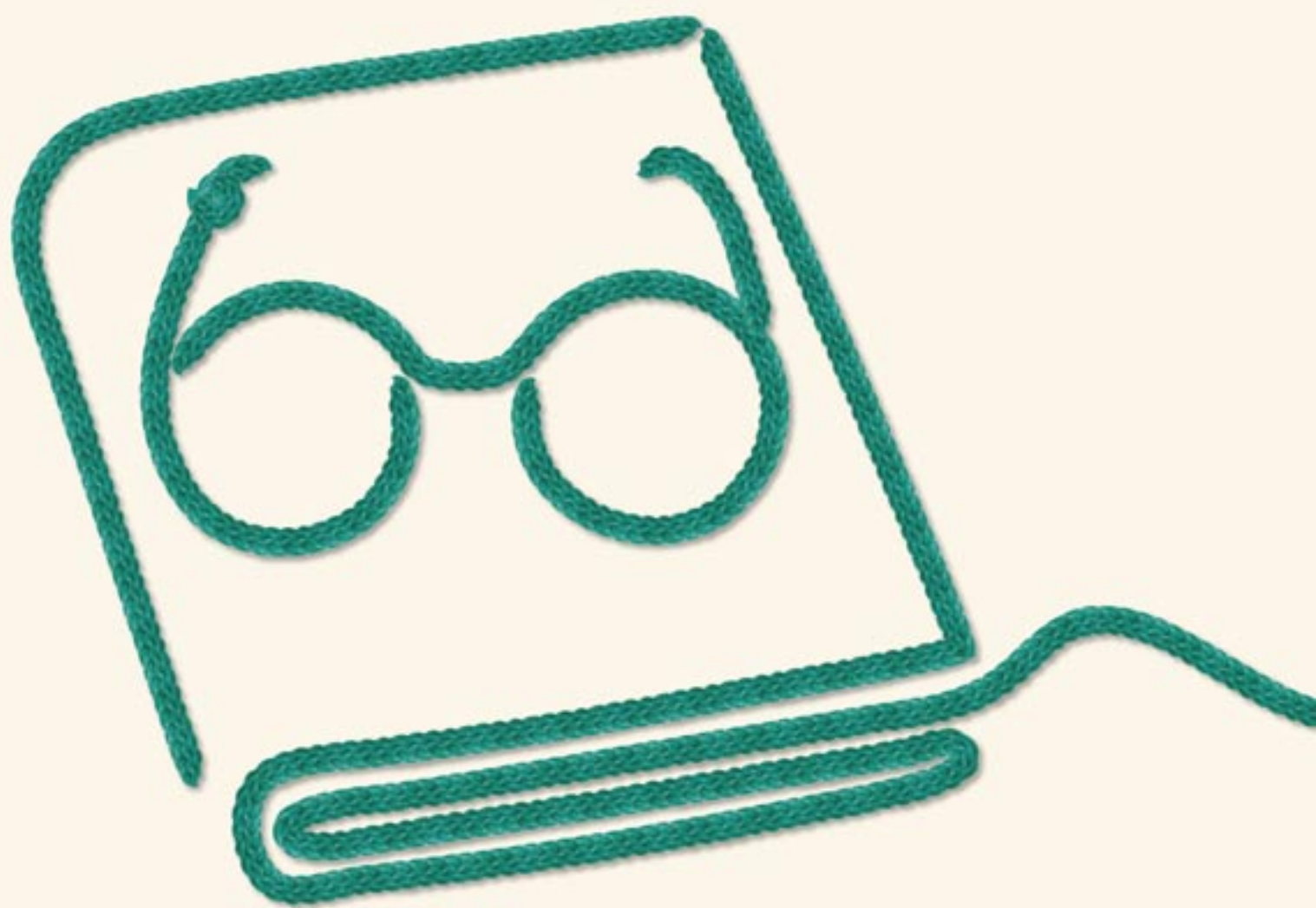


آزمون ۹. غلط‌شماری املائی

۱. در میان واژگان داده شده، املائی چند واژه غلط است؟
 «اولوالابصار و روشن‌بینان، نوخواسته، ترقی و انتساب، طوع و رغبت، مالیات مستقلات، اجناس و امتعه، نطق قرآ، هبوط و صعود، صرافت طبع، مؤانست و هم‌نشینی، گذاردن نعمت، رثای شهیدان، ابطال و القا»
 (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) شش
 (ریاضی ۹۳)
۲. املائی چه تعداد از واژه‌های زیر نادرست است؟
 «قرایح و علایق»، «جهل و ضلال»، «غاشیة اسب»، «محمل و پوچ»، «ارقند و قهرآلود»، «صلابت و شریعت»، «محجور و دور»، «نذهتگه ارواح»، «نثر غنایی»، «ضماد کافور»، «غرس و هرس کردن»
 (۱) پنج (۲) چهار (۳) شش (۴) هفت
 (هنر ۹۱)
۳. در متن «چون قوتی در این بیغوله هست پی‌غولان ضلال رفتن و خیال محال پختن نشان خامی است. آزاد مراد از قبض و بسط امور دنیا آنگه برون آید که ترتیب امور معاد را بر همه مهمات راجح داند» چند غلط‌املائی وجود دارد؟
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
 (انسانی ۹۱)
۴. در متن «... و هر صاحب فراستی داند که هیچ‌کس از سهو و ذلت مصون و معصوم نتواند بود و هرگاه که به قصد و عمد منصوب نباشد مجال استعفا و تائی اندر توابع و لواحق آن هرچه فراخ‌تر است» چند غلط‌املائی وجود دارد؟
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
 (ریاضی ۹۱)
۵. در متن «عاجز ملوک آن است که از عواقب کارها غافل باشد و مهمات ملک را خوار دارد و هرگاه حادثه بزرگ پیش آید، موضع حزم و احتیاط را محمل‌گزارد و از فرایض احکام جهان‌داری آن است که عزیمت به تقویت رأی پیر و تائی بخت جوان به امضا رسانیده شود.» چند غلط‌املائی هست؟
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
 (تجربی ۹۰)
۶. در متن زیر چند غلط‌املائی دیده می‌شود؟
 «زاغ این سخن بشنود و بی‌واسطه صغیر و مشیر حاضران زبان بگشود و گفت: روباه به بازوی صولت، پیل مست را فرو افکند و از میان اقران جنس خویش به انواع کارهای نیک شهرتی هرچه شایع‌تر دارد.»
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
 (خارج ۹۰)
۷. در متن «در احکام مروّت قدر به چه تعویل جایز توان داشت؟ و بارها بر سر جمع با او ثناها گفته‌ام و ذکر خرد و دیانت و اخلاص و امانت او بر زبان رانده، اگر آن را خلافی روا دارم به تناقض قول و رأی منسوب گردم و عهد من در دل‌ها بی‌قدر شود.» چند غلط‌املائی یافت می‌شود؟
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
 (انسانی ۹۰)

دستور زبان

درسنامه		آموزش مباحث مهم دستور زبان فارسی: واژه ■ اسم ■ فعل ■ جمله حذف ■ نقش	
آزمون ۱۰	واژه	۲۰ تست	
آزمون ۱۱	اسم	۲۰ تست	
آزمون ۱۲	فعل، جمله	۲۰ تست	
آزمون ۱۳	نقش دستوری، حذف	۲۰ تست	
آزمون ۱۴	ترکیبی	۲۰ تست	
تست			



واژه

واژه یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند جزء ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر به کار می‌رود.

ساختمان واژه

واژه‌ها بر اساس تعداد و نوع اجزا (معنی‌دار یا بی‌معنی) به دو نوع «ساده» و «غیر ساده» تقسیم می‌شوند.

«واژه ساده»

هر واژه‌ای که قابل تجزیه نباشد ساده است.

مثال: بیابان، انسان، آسمان، تهمینه

«واژه غیر ساده»

هر واژه‌ای که بیش از یک جزء داشته باشد (تجزیه‌پذیر باشد) «غیر ساده» است با سه نوع مشخص:

وندی (مشتق)	یک جزء معنی‌دار به همراه یک یا چند وند	جهانی (جهان + ی)
مرگب	بیش از یک جزء معنی‌دار	گلاب (گل + آب)
وندی (مشتق) - مرگب	یک وند به همراه دو یا چند جزء معنی‌دار	دوچرخه (دو + چرخ + ه)

باریک‌تر از مو

۱ اهل زبان، پیشینه تاریخی واژه‌ها را در نظر نمی‌گیرند و بر همین اساس، واژه‌های زیر با وجود این که ممکن است ظاهراً قابل تجزیه باشند، ساده به حساب می‌آیند:

تابستان، زمستان، دبستان، ساریان، خلبان، شبان، زرخندان، ناودان، خاندان، سیاوش، سهراب، رستم، تهمینه، شیرین، دستگاه، استوار، بنگاه، پگاه، غنچه، پارچه، کلوچه، مژه، دیوار، دیوانه و وادار

۲ همه واژه‌های مرکب با «اسم، صفت، بن فعل، ضمیر» ساخته می‌شوند:

مثال: خوش خط / خود خواه / قید بلند
صفت اسم / ضمیر بن فعل / اسم صفت

۳ «نشانه‌های جمع، تر، ترین، ی ناشناس» هم «وند» محسوب می‌شوند:

مثال: بهتر (وندی) کتابخانه‌ها (وندی - مرکب)

دختران (وندی) بلندترین (وندی)

«ساخت واژه‌های «مرگب»»

گردن‌بند، هنرپیشه، شاهکار، دست‌مایه، آلبوختار، جانماز، کاه‌گل اسم + اسم = اسم

گوش‌مال، دست‌بوس، هواپیما، آشپز، نامه‌رسان، کف‌گیر، نمک‌پاش اسم + بن مضارع = اسم

سیاه‌چادر، هزارپا، سه‌تار، سه‌گوش، نخست‌وزیر، چهل چراغ صفت + اسم = اسم

خودنویس، خودرو، خودتراش، خودآموز ضمیر + بن مضارع = اسم

بالاپوش، روان‌داز، زیرگذر، روکش، زودپز، دوربین، دورنما، بالابر، پیشخوان صفت / قید + بن فعل = اسم

بالادست، زیرجامه، زیرزمین، زیربنا، پس‌کوچه، پیش‌پرده صفت / قید + اسم = اسم

قدبلند، بالابلند، گردن‌کلفت، ریش‌سفید اسم + صفت = صفت

بلندقد، زیردست، بدبخت، تنگ حوصله، خوش‌برخورد، پرزور، کم‌دوام صفت + اسم = صفت

وطن‌خواه، هیجان‌انگیز، نفرت‌بار، خداپسند، رهگذر، محبت‌آمیز اسم + بن مضارع = صفت



صفت‌های بیانی

صفت بیانی، صفتی است که با کسره (نقش‌نمای اضافه) به هسته اضافه می‌شود و پنج نوع است:

مطلق	نشانه‌ای ندارد	هوشمند	
فاعلی	بن مضارع + ا	روا	سخن روا
	بن مضارع + ان	روان	آب روان
	بن مضارع + نده	رونده	گیاه رونده
	بن ماضی / مضارع + گار	آموزگار	تلاش آموزگار
نسبی	بن ماضی + ه	شکسته	دیوار شکسته
	اسم + ی	ایرانی	کالای ایرانی
	اسم + ین	رنگین	سفره رنگین
	اسم + ینه	زرینه	شیپور زرینه
	اسم + انه	مردانه	حرکت مردانه
لیاقت	اسم + انی	جسمانی	فشار جسمانی
	مصدر + ی	خوردنی	غذای خوردنی

باریک‌تر از مو

۱ با توجه به تنوع و زیادی صفت‌ها و نشانه‌های آن‌ها برای شناسایی هر نوع صفت به معنی آن توجه کنید.

مثال **ستمکار** (کسی که ستم می‌کند: فاعلی) **دست دوز** (دوخته شده با دست: مفعولی)

۲ صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه به کار می‌رود، واژه ای که وصف می‌شود، **موصوف** نام دارد.

۳ اگر صفت فاعلی مرکب باشد، معمولاً نشانه « - نده » از پایان آن حذف می‌شود.

مثال دانش‌آموز (دانش‌آموزنده) / طلا یاب (طلا یابنده)

۴ اگر صفت مفعولی مرکب باشد، معمولاً نشانه صفت مفعولی (ه) از آن حذف می‌شود.

مثال زر بافت (زر بافته) / غم آلود (غم آلوده)

وابسته‌های وابسته

وابسته‌ها هم می‌توانند، وابسته بگیرند. با این توضیح:

صفت، می‌تواند «صفت» یا «قید» بگیرد. ← «صفتِ صفت»، «قیدِ صفت»

مضاف‌الیه، می‌تواند «صفت یا مضاف‌الیه» بگیرد. ← «صفتِ مضاف‌الیه»، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه»

صفت شمارشی، می‌تواند «وابسته» بگیرد. ← «ممیز»

صفتِ صفت	توضیح دهنده ویژگی‌های صفت قبل از خود	لباس آبی آسمانی
صفتِ مضاف‌الیه	صفت پیشین یا پسین، وابسته مضاف‌الیه می‌شود	تألیف کتاب سودمند
مضاف‌الیه مضاف‌الیه	یک اسم یا ضمیر، وابسته مضاف‌الیه می‌شود	دیوار باغ همسایه
قیدِ صفت	یک قید، میان موصوف و صفت قرار می‌گیرد	چهره بسیار زیبا
ممیز	برای تعداد، اندازه یا وزن هسته	دو فروند کشتی

**حذف به قرینه معنوی:**

اگر خواننده یا شنونده از سیاق سخن به بخش حذف شده پی ببرد، آن را حذف به قرینه معنوی گویند.

مثال چه بهتر **[است]** که شما این کار مهم را به عهده بگیرید.

در این جمله «است» (به قرینه معنوی حذف شده است).

باریک‌تر از مو

هر جزئی که موجب صرفه‌جویی در کلام شود و به جمله هم آسیب وارد نکند البته با رعایت شرایطی قابل حذف است مانند این موارد:

الف) حذف جمله: در جمله‌های غیرساده، یک جمله حذف می‌شود آن هم با قرینه لفظی:

مثال رفته بودم اداره پدرم او را ببینم، اما نتوانستم. **[او را ببینم]**

به قرینه لفظی حذف شده است.

ب) حذف نهاد جدا: نهاد اول شخص و دوم شخص را می‌توان به قرینه «شناسه» حذف کرد.

[من] برای مطالعه به کتابخانه می‌روم. **[شما]** به مسافرت خواهی رفت. **Ø**



به قرینه لفظی حذف شده است.



به قرینه لفظی حذف شده است.

پ) حذف فعل در جمله‌های پر کاربرد:

مثال به جان شما **[قسم می‌خورم]**

به قرینه معنوی حذف شده است.

ت) حذف فعل اسنادی در جمله‌های غیرساده:

مثال هر چه ارزان‌تر **[باشد]**، بهتر **[است]**

به قرینه معنوی حذف شده است.

خیلی مهم!**نقش**

۶

اسم یا جانشین آن در جمله نقش‌های مختلفی می‌گیرند که گاهی آن نقش، اصلی و گاهی غیراصلی است.

نقش‌های اصلی دستوری

نهاد: کلمه‌ای که خبر یا کاری به آن نسبت داده می‌شود.

مثال **پیمان** درس می‌خواند (کننده کار) **پیمان**، ادیب است. (پذیرنده صفت)

مفعول: گروه اسمی که **کار بر روی آن** واقع می‌شود.

مثال **خرقه زهد** مرا آب خرابات ببرد

مسند: کلمه‌ای است که با فعل اسنادی به نهاد نسبت داده می‌شود.

مثال عقل **دیوانه** شد آن سلسله مشکین کو

متمم: کلمه‌ای است که **بعد از حروف اضافه** قرار می‌گیرد.

مثال دل ز **ما** گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست



آزمون ۱۰ - واژه

۱. در میان واژه‌های «وندی» زیر، چند واژه بیش از یک «وند» دارند؟ (خارج ۹۰)
- «دانشمند، ناشکری، قالیچه، هم‌عقیده، ستایشگر، هنرستانی، بیکار، نسنجیده، همراهی، خواندنی، خانوادگی»
- (۱) چهار (۲) شش (۳) پنج (۴) هفت
۲. در همهٔ واژه‌های کدام گروه، «بن‌فعل» به کار رفته است؟
- (۱) کوله - ماله - اندیشه - خورش
(۲) کوزه‌گر - پایه - چینه‌دان - سحرگاه
(۳) ناخن‌گیر - پلوپز - تابه - نشانده
(۴) گیره - قندشکن - چندش - شنیدار
۳. «ی» در پایان همهٔ واژگان کدام گزینه پسوند صفت‌ساز است؟
- (۱) «تهرانی، زیبایی، همیشگی، انسانی»
(۲) «ناتوانی، هنرمندی، خرمی، نشانی»
(۳) «دیدنی، آسمانی، ابهری، مدنی»
(۴) «دانشی، حقیقی، کامرانی، نومیدی»
۴. در کدام عبارت واژه‌های «وندی» بیشتر است؟ (تجربی ۸۰)
- (۱) درک و فهم متون علمی و ادبی و هنری
(۲) نگارش و ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی
(۳) مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی
(۴) به کارگیری درست مهارت‌های زبانی و ذهنی
۵. ساختار واژگان کدام گزینه همه «وندی - مرکب» اند؟
- (۱) «خودخواهی، دانش‌ور، سرآمد»
(۲) «قدرتمندان، آشتی‌کنان، اسم‌نویسی»
(۳) «مردوار، سرزنده، سرودخوان»
(۴) «دانش‌پژوه، هرروزه، حقوق‌بگیر»
۶. در کدام گزینه، همهٔ واژه‌ها، به ترتیب از «اسم + وند + اسم» ساخته شده‌اند؟ (زبان ۸۴)
- (۱) برابر - کاروبار - ترش‌رویی
(۲) دوچرخه - سه‌پایه - گیرودار
(۳) تودرتو - ده‌مرده - فرشته‌خویی
(۴) رویارویی - بناگوش - سرتاسر
۷. در عبارت «خلاف نظرهای تنک‌مایه و سطحی، حرکت انبیا، حرکت ناموفق و ناپایدار نبوده است، بلکه از آغاز تاکنون کوشیده‌اند بشر را به همان مسیر خداپسندانه بکشانند.» به ترتیب چند واژه «وندی»، «مرکب» و «وندی - مرکب» یافت می‌شود؟ (خارج ۸۸)
- (۱) سه - یک - دو (۲) دو - دو - دو (۳) سه - یک - یک (۴) دو - دو - یک
۸. در عبارت «به فضل و عنایت الهی و تحمّل رنج مدام و پرهیز از حظوظ و تمتعات مشروع و با مایه گذاشتن دو گوهر بی‌عوض جان و جوانی خویش بر سر عرض خزاین گران‌بهای فکری ایرانیان و تدریس سلامت برانداز، اندک استیلا و اشرافی بر نکات و دقایق زبان و ادب فارسی برای راقم سطور حاصل گردیده است.» به ترتیب چند واژه «وندی»، «مرکب» و «وندی - مرکب» وجود دارد؟ (زبان ۹۰)
- (۱) هشت - یک - دو (۲) شش - یک - دو (۳) هشت - دو - دو (۴) هفت - دو - یک
۹. در عبارت «از ویژگی‌های سبک مکتب وقوع، نکته‌سنجی، خیال‌پروری و مضمون‌آفرینی است که کم‌کم به پیچیدگی و باریک‌اندیشی و خیال‌بافی گرایش پیدامی‌کند و سبک هندی را به وجود می‌آورد که تا حدی به مکتب توصیف‌گرایی شبیه است.» به ترتیب چند واژه «وندی» و چند واژه «وندی - مرکب» وجود دارد؟ (خارج ۸۹)
- (۱) چهار - شش (۲) چهار - هفت (۳) پنج - شش (۴) پنج - هفت

**۱۹. حذف فعل «به قرینه معنوی» در همه ابیات وجود دارد، به جز:**

(انسانی ۹۶)

- (۱) گرفتار کمنند ماهروییان
 (۲) من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن
 (۳) چشمی که جمال تو ندیدست چه دیده است
 (۴) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر
- نه از مدحش خبر باشد نه از دم
 که پیش طایفه‌ای مرگ به که بیماری
 افسوس بر اینان که به غفلت گذرانند
 چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

۲۰. در همه ابیات «فعل اسنادی به قرینه معنوی» محذوف است، به جز:

(هنر ۹۶)

- (۱) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
 (۲) گران‌جان‌تر ز شب‌نم نیست جان ناتوان من
 (۳) رسید ناله سعدی به هر که در آفاق
 (۴) هر که سودای تو دارد چه غم از هر که جهانش
- صاحب خبر بیامد و من بی‌خبر شدم
 اگر می‌بود با من روی گرمی آفتابش را
 هم آتشی زده‌ای تا نفیر می‌آید
 نگران تو چه اندیشه و بیم از دگرانش

آزمون ۱۴ - ترکیبی**۱. در کدام مورد، از بن مضارع همه مصدرهای آن با افزودن پسوند «ه» می‌توان «اسم» ساخت؟ (ریاضی ۹۷)**

- (۱) گرفتن - دیدن - نشانیدن
 (۲) گریستن - خندیدن - خریدن
 (۳) پوشیدن - نوشتن - خواستن
 (۴) اندیشیدن - پیراستن - آویختن

۲. در همه مصراع‌ها، «ساختمان صفت» مرکب است؛ به جز:

(خارج ۹۷)

- (۱) روزی لب‌ت رسد به لب روزه‌دار من
 (۲) سوار می‌گذرد ترک ناوک افکن من
 (۳) مست نخواهد شدن خاطر هشیار من
 (۴) کز گهرش برده آب نظم گهربار من

۳. نقش دستوری موصوف‌ها در مصراع دوم، به ترتیب کدام است؟ (زبان ۹۵)

- «متاب از روزن ای ماه دل‌افروزم، چه اصراری
 که شمع کشته‌ام بینی و زندان غم‌افزا را»
- (۱) مسند - مفعول (۲) مفعول - مسند
 (۳) مضاف‌الیه - مفعول (۴) مسند - مضاف‌الیه

۴. نقش دستوری «موصوف‌ها» در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟ (هنر ۹۵)

- دو چشم مست تو کز خواب صبح برخیزند
 هزار فتنه به هر گوشه‌ای برانگیزند»
- (۱) نهاد - مسند - متمم (۲) مسند - مفعول - نهاد
 (۳) نهاد - مفعول - متمم (۴) مفعول - مسند - نهاد

۵. تعداد واج‌های گروه بدلی در کدام گزینه بیش‌تر است؟ (انسانی ۹۵)

- (۱) دکتر جانسون انگلیسی، ادیب بلندپایه، معتقد است که شاعر باید دنیا را از آن‌چه هست، بهتر نشان دهد.
 (۲) ابوالعلائی معری، شاعر مشهور عرب، گفته است: از خون علی و فرزندش دو نشانه باقی است.
 (۳) هیپولیت تن، منتقد مشهور غرب، ادبیات را محصول زمان، محیط اجتماعی و نژاد می‌داند.
 (۴) عین‌القضات همدانی، عارف شیفته و شوریده، از چهره‌های برجسته عرفان ایرانی است.

۶. گروه‌های بدلی در عبارت، «سعدی‌نامه یا بوستان، اثر شیخ شیرازی، شاعر و نویسنده ایرانی، یکی از**کتاب‌های ارزشمند است که سعدی آن را بر وزن شاهنامه سروده است.»، چند واج است؟ (هنر ۸۸)**

- (۱) چهل و یک (۲) چهل و دو (۳) چهل و سه (۴) چهل و چهار

آرایه‌های ادبی

آموزش آرایه‌های ادبی به همراه تست و مثال:		درسنامه
<ul style="list-style-type: none"> ■ تشبیه ■ واج آرایی ■ ایهام / ایهام تناسب ■ حسن تعلیل ■ اغراق 	<ul style="list-style-type: none"> ■ مجاز ■ سجع ■ مراعات نظیر ■ تضاد 	
<ul style="list-style-type: none"> ■ تشخيص ■ متناقض نما ■ اسلوب معادله ■ تضمین 	<ul style="list-style-type: none"> ■ استعاره ■ جناس ■ حس آمیزی ■ تلمیح 	
آزمون ۱۵	تک آرایه‌ای	۲۰ تست
آزمون ۱۶	آرایه پرانتزی	۲۰ تست
آزمون ۱۷	آرایه در عبارت و بیت	۲۰ تست
آزمون ۱۸	گزینه‌های چند آرایه‌ای	۲۰ تست
آزمون ۱۹	الفبایی	۲۰ تست



تشبیهِ

تعریف	مانند کردن چیزی به چیز دیگر
ارکان	مشبه (تشبیه شده)، مشبه‌به (تشبیه‌پذیر)، ادات تشبیه (کلمات تشبیه‌ساز)، وجه‌شبه (علت تشبیه) مثال به رقص آرم چو موجی خرمن زرد (تشبیه خرمن به موج) وجه ادات مشبه‌به مشبه
انواع	تشبیه عادی (آوردن سه یا چهار رکن از تشبیه) مثال دل تو مانند دریاست. تشبیه فشرده (مشبه + مشبه‌به) مثال دل دریاست. تیغ زبان (زبان مانند تیغ، برنده است = اضافه تشبیهی)

باریک‌تر از مو

۱ برخی از تشبیه‌ها با معنی مشخص می‌شوند.

مثال سایه بالای آن سرو از سر من کم مباد
 زن که بر من رحمتی از عالم بالاست این

تشبیه «سایه بالای آن سرو» به «رحمتی از عالم بالا»

۲ معمولاً بعد از ادات، مشبه‌به قرار می‌گیرد.

مثال چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست

۳ گاهی وجه‌شبه و ادات حذف می‌شوند اما «مشبه و مشبه‌به» قابل حذف نیستند.

مثال نگارم چو ماه نو، ابرو نمود (۴رکن) نگار چو ماهم آمد (۳رکن) نگار ماهم آمد (۲رکن)

۴ وجه شبه: ویژگی بارز مشبه‌به است.

مثال دل تو (مشبه) مانند (ادات تشبیه) دریا (مشبه‌به) بزرگ (وجه‌شبه) است.

مثال گل (ویژگی: زیبایی، لطافت)، شب (ویژگی: سیاهی)، شمع (ویژگی: روشنایی)، سرو (ویژگی: بلندی)، خاک

(ویژگی: پستی، افتادگی)، آب (ویژگی: پاکی)

۵ ادات تشبیه (واژه‌های تشبیه ساز) باید معنی «مثل و مانند» داشته باشند و گرنه ادات تشبیه نیستند.

مثال چو با حبیب نشینی و باده پیمایی به یاد دار محبان بادپیما را (چو: وقتی که)

تشبیه در تست (از ساده به سخت)

تشبیه عادی	اضافه تشبیهی	تشبیه اسنادی	تشبیه معنایی (مضمرو...)
روی تو مانند ماه زیباست	خنجر عشق	خارم (مانند خار هستم)	دل ندانم ز خدنگ که به خون خفت ولی / این قدر هست که مژگان تو خون آلود است (تشبیه مژگان به خدنگ)



تست

در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینهٔ همهٔ ارکان تشبیه آمده است.

- (۱) آن که لرزد همچو مرغ نیم بسمل، صبح و شام
 (۲) هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد
 (۳) خوشبخت آن که مادر دانا به روز و شب
 (۴) وظیفهٔ زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟
- در زمستان، پیکر عریان دهقان است و بس
 چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
 چونان فرشته بر سر او سایه گستر است
 یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیبان

پاسخ

- گزینهٔ اول: پیکر عریان دهقان هم‌چو مرغ نیم بسمل لرزد.
 مشبه ادات مشبه‌به وجه‌شبه
 - گزینهٔ دوم: هر نسیمی (که به من بوی خراسان آرد) چون دم عیسی در کالبدم جان آرد.
 مشبه ادات مشبه‌به وجه‌شبه
 - گزینهٔ سوم: مادر دانا چونان فرشته بر سر او سایه‌گستر است.
 مشبه ادات مشبه‌به وجه‌شبه
 - گزینهٔ چهارم: زن، کشتی است (زن مانند کشتی است) و مرد کشتیبان (مرد مانند کشتیبان).
 مشبه مشبه‌به مشبه مشبه‌به
- در گزینهٔ چهارم «ادات تشبیه» و «وجه شبه» وجود ندارد که به این نوع «تشبیه فشرده» می‌گوییم.

۲

مجاز

واژه‌ای، معنای حقیقی (نهاده) خود را از دست می‌دهد و معنای جدید (نانهاده) می‌پذیرد.	تعریف
<p>مثال بکوبمت زین گونه امروز یال</p> <p>(یال: معنی حقیقی: موی گردن اسب / معنی مجازی: سر و گردن)</p>	
<p>مجاز عادی: یک واژه بر اساس رابطه‌ای غیر از تشبیه، معنای جدید گرفته‌است.</p> <p>مثال او تمام کاسه را خورد. (کاسه: مجازاً «محتویات کاسه»)</p> <p>مجاز تشبیهی: مجاز بر اساس تشبیه شکل می‌گیرد و به آن استعاره خواهیم گفت</p> <p>مثال سرو او از غم جانکاه خمیده</p> <p>(سرو: مجازاً «قامت بلند»، که البته استعاره هم محسوب می‌شود)</p>	انواع

باریک‌تر از مو

- ۱ معنای مجازی باید با واژه مورد نظر ارتباط داشته باشد که اگر این ارتباط را تشبیه به وجود آورده باشد، استعاره به حساب می‌آید.
 - ۲ بهترین راه کشف مجازها: توجه به واژه‌هایی است که با معنای حقیقی خود، جمله یا عبارت را دچار مشکل می‌کنند.
- مثال** برو هرچه می‌بایدت پیش گیر سر ما نداری سر خویش گیر (سر: مجازاً «فکر»)
- اگر در این بیت واژه «سر» را با معنی حقیقی خود (عضوی از بدن) در نظر بگیریم، معنی بیت نادرست می‌شود.



آزمون ۱۵ - تک آرایه‌ای

(تجربی ۹۲)

پروانه را خنک نشود دل ز ماهتاب
هر کس که هم خمار نگردد به هم شراب
در تیرگی زیاده بود ریزش سحاب
در شوره‌زار بیش بود موجه شراب

(انسانی ۸۷)

ز ملکوت پراکندگی دور باد
از نازکی آزار رساند بدنش را
که من مستی و مستوری ندانم
در ظاهر اگر مالک دینار نبودیم

۳. در کدام گزینه «تناسب» واژه‌ها در مصراع دوم مشهود است؟

که ساز شرع از این افسانه بی‌قانون نخواهد شد
سنگی گرفت و شیشه ناموس را شکست
اگر نبینی در پارس، پارسایی را
ز گنج خانه دل می‌کشم به روزن چشم

(هنر ۸۳)

قرعه فال به نام من دیوانه زدند
در او شیرین بود امید دیدار
ای گنبد گیتی ای دماوند
گوییا در چمن لاله و ریحان بودم

(ریاضی ۹۱)

ای لب شیرین جواب تلخ سر بالا چرا
تحمل می‌کنم با زخم چون مرهم نمی‌بینم
آن را که فلک زهر جدایی بچشاند
مرگم رسیده بود و لیکن خدا نخواست

(هنر ۹۳)

که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
پر کرده ز دَر و درم و دانه دهان را
جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

۱. در کدام بیت اسلوب معادله وجود ندارد؟

۱) از موجه شراب شود بیش تشنگی
۲) کامل عیار نیست به میزان دوستی
۳) اشک ندامت است سیه کار را فزون
۴) موی سفید ریشه طول امل بود

۲. در کدام بیت «اغراق» به کار رفته است؟

۱) دل و کثورت جمع و معمور باد
۲) گر برگ گل سرخ کنی پیره‌نش را
۳) بگویم تا بداند دشمن و دوست
۴) صائب! مدد خلق نمودیم به همت

۳. در کدام گزینه «تناسب» واژه‌ها در مصراع دوم مشهود است؟

۱) خدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش
۲) هر کس که دل به دست بتی داد هم‌چو من
۳) اگر تو روی نپوشی بدین لطافت حُسن
۴) بیا که لعل و گوهر در نثار مقدم تو

۴. در کدام بیت، آرایه تلمیح وجود ندارد؟

۱) آسمان بار امانت نتوانست کشید
۲) اگرچه تلخ باشد فرقت یار
۳) ای دیو سپید پای دربنند
۴) به تمنای تو در آتش محنت چو خلیل

۵. در کدام بیت بیشترین آرایه تضاد وجود دارد؟

۱) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
۲) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم
۳) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل
۴) گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست

۶. شاعر در کدام بیت از آرایه «واج‌آرایی» بهره بیشتری برده است؟

۱) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
۲) آن ابر دَرر بار ز دریا که برآید
۳) رسم عاشق‌کشی و شیوه شهرآشوبی
۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

۲۰. در کدام ابیات، آرایه متناقض‌نما، به کار رفته است؟

- (الف) از آن زمان که زمین بوس آستان توام
 (ب) میان جمع، پریشان شاهدهی شده‌ام
 (ج) به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش
 (د) مهی که راز من از پرده آشکارا کرد
 (ه) عجب مدار که در عین درد خاموشم
 (و) مگر به یاد لب‌ت باده می‌دهد ساقی
- (۱) الف - ب - د (۲) الف - ج - ه
 (۳) ب - د - ج (۴) ه - ج - و

(ریاضی ۸۶)

سر ملوک جهان جمله بر زمین من است
 که از مشاهده‌اش مجمعی پریشان است
 دل من است که هم جمع و هم پریشان است
 هنوز صورت او زیر پرده پنهان است
 که درد یار پرچهره عین درمان است
 که خاک میکده خوش‌تر از آب حیوان است

آزمون ۱۶ - آرایه‌های پرانتزی



(ریاضی ۹۱)

۱. آرایه‌های مقابل همه ابیات به استثنای بیت تماماً درست است.

- (۱) گر به مراد من روی و روی تو حاکمی
 (۲) چشم که بر تومی کنم چشم حسود می‌کنم
 (۳) شهری اگر به قصد من جمع شوند و متفق
 (۴) دردی است در دلم که گراز پیش آب چشم

(انسانی ۹۱)

۲. آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟

- از این دست عمری به سر برده‌ایم (جناس، حس آمیزی)
 حالیا چشم جهانی نگران من و توست (مجاز، ایهام)
 عیدم تویی که من به تو قربان نیامدی (تشبیه، تضاد)
 دریای درد کیست که تا چاه می‌رود (تلمیح، تشبیه)
- (۱) دلی سربلند و سری سر به زیر
 (۲) روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید
 (۳) عیش دل شکسته عزا می‌کنی چرا
 (۴) این جزر و مد چیست که تا ماه می‌رود

(هنر ۹۱)

۳. آرایه‌های مقابل همه ابیات به استثنای بیت درست است.

- گر سر کشد غبار دل آسمان شود (تشبیه، کنایه)
 که دائم از خدا خواهد شفای چشم بیمارش (حسن تعلیل، تضاد)
 بدخو شود آن دم که در آغوش و کنار است (تشبیه، تشخیص)
 بید مجنون، سجده شگری به جا آورده است (اسلوب معادله، اغراق)
- (۱) افتاده را به چشم حقارت مبین که خاک
 (۲) از آن مژگان او دست دعا بر آسمان دارد
 (۳) در حیرتم از زاری تنبور که این طفل
 (۴) عاقلان را تا در این موسم چو خود دیوانه دید

(انسانی ۹۲)

۴. آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟

- اگر چه خوب‌تر از خود نمی‌توان دیدن (تشخیص، تشبیه)
 پشت بر قبله می‌کنند نماز (اغراق، مجاز)
 از دم پیر خرابات جوانم کردند (پارادوکس، ایهام)
 چون شود لبریز جامت از خمار اندیشه کن (اسلوب معادله، تضاد)
- (۱) نظر ز روی تو خورشید بر نمی‌دارد
 (۲) عابدانی که روی بر خلق‌ند
 (۳) گرچه در صومعه‌ها پیر شدم آخر کار
 (۴) روی در نقصان گذارد ماه چون گردد تمام

(خارج ۹۳)

۵. آرایه‌های مقابل همه ابیات به استثنای بیت تماماً درست است.

- بر دل کوه نهی، سنگ به آواز آید (اغراق، تشبیه)
 چه شد که کوتاه‌وزشت این قبا به قامت ماست (مجاز، استعاره)
 دریا ز شور اوست که اندر تلاطم است (حسن تعلیل، سجع)
 گرنج من یاد آیدش، عهد من آسان نشکند (جناس، متناقض‌نما)
- (۱) اگر این داغ جگرسوز که بر جان من است
 (۲) لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست
 (۳) دل‌ها برای اوست که اندر تپیدن است
 (۴) گفتار من باد آیدش، خون ریختن داد آیدش

(انسانی ۹۷)

۲۰. آرایه‌های مقابل کدام بیت «همگی» درست است؟

- (۱) تا رقیب از لب او کامروا شد گفتم
 (۲) سزای من که دمی خرم از وصال شدم
 (۳) تا سرو پی بندگی قد تو برخاست
 (۴) گر جذبۀ محبت آتش به دل فروزد
- خاتم دست سلیمان به کف اهرمن است (اسلوب معادله، کنایه)
 هزار مرتبه عشق از غم جدایی داد (مجاز، ایهام)
 دور فلک آزاد ز بند محنش کرد (تشبیه، حسن تعلیل)
 برگ هوس توان سوخت ترک هواتوان کرد (استعاره، تضاد)

آزمون ۱۷ - آرایه در عبارت و بیت



(هنر ۹۶)

۱. کدام بیت، دارای آرایه «تلمیح» است و بیش‌ترین تشبیه را دارد؟

- (۱) نگاه‌دار گرت چون عقیق آبی هست
 (۲) غنچه چون عیسی به گفتار آمده است از مهد شاخ
 (۳) چون زلیخا مشربان ما را تلاش قرب نیست
 (۴) به جوی شیر چو فرهاد تیشه فرسودن
- که خضر بادیۀ عشق، آتشین جگر است
 گل چو مریم مهر خاموشی به لب بنهاده است
 دیده یعقوب ما را بوی پیراهن بس است
 یکی ز جمله بازیچه‌های طفلانه است

۲. در همه عبارت‌ها، به استثنای عبارت آرایه‌های «تشبیه و پارادوکس» هر دو وجود دارد. (خارج ۹۲)

- (۱) صدای سایش بال‌های خیال تنها سخنی است که سکوت ابدی کویر را نشان می‌دهد.
 (۲) کویر انتهای زمین است پایان سرزمین حیات، در کویر گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم.
 (۳) شب کویر این موجود زیبا و آسمانی شبی است که از بامداد آغاز می‌شود، شب کویر به وصف نمی‌آید.
 (۴) آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد.

(ریاضی ۹۶)

۳. در همه ابیات، آرایه‌های «ایهام و کنایه»، هر دو، وجود دارند، به جز:

- (۱) من به بوی توام ای دوست هواخواه بهار
 (۲) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم
 (۳) من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم
 (۴) خیال شهبواری پخت و ناگه شد دل مسکین
- کز نسیمش به دماغم همه بوی تو رسد
 که لاله می‌دمد از خون دیده فرهاد
 که عنان دل شیدا به کف شیرین داد
 خداوندانگه دارش که بر قلب سواران زد

(زبان ۹۷)

۴. در کدام بیت «تشبیه و استعاره» هر دو، وجود دارد؟

- (۱) پشت هر شادی غمی بنهفته بنگر که آسمان
 (۲) از زبان سوسن آزاده‌ام آمد به گوش
 (۳) به تولای تو در آتش محنت چو خلیل
 (۴) شکر بر خویشتن خندد گر آن ماه
- ابر گریان دارد و خورشید خندان نیز هم
 کاندرا این دیر کهن کار سبکباران خوش است
 گوییا در چمن لاله و ریحان بودم
 به شکر خنده بگشاید دهان را

(زبان ۹۵)

۵. در کدام بیت، هر دو آرایه «تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- (۱) صد باد صبا این جا با سلسله می‌رقصند
 (۲) اگر چه مهر بریدی و عهد بشکستی
 (۳) پیش رویت دگران صورت بر دیوارند
 (۴) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا
- این است حریف ای دل تا باد نپیمایی
 هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگندم
 نه چنین صورت و معنی که تو داری، دارند
 گو بیا سیل غم این خانه ز بنیاد ببر



(زبان ۹۲)

۲۰. در کدام بیت، همه آرایه‌های «استعاره، مجاز، کنایه و تشخیص» وجود دارد؟

- (۱) در کام صدف تلخ کند آبِ گهر را
 (۲) در دور لب لعل تو یاقوت ز معدن
 (۳) شد آینه از دیدن رخسار تو محروم
 (۴) در روز جزا سنبل گلزار بهشت است
- حرفی که از آن لعل شکر بار برآید
 چون لاله جگر سوخته از سنگ برآید
 تا روی لطیف تو که را در نظر آید
 عمری که به اندیشه زلف تو سرآید

آزمون ۱۸ - گزینه‌های چند آرایه‌ای



(هنر ۹۵)

۱. بیت زیر فاقد کدام آرایه‌هاست؟

- «با شکوه کوه فضلست ابر گریان بر جبال
 (۱) تشبیه - تضاد
 (۲) استعاره - جناس
 (۳) ایهام - حس آمیزی
 (۴) تشخیص - مراعات نظیر»

(هنر ۹۵)

۲. آرایه‌های موجود در بیت زیر، کدام است؟

- «در حقیقت تنگ‌دستی مایه دیوانگی است
 (۱) تشبیه - تضاد - کنایه
 (۲) حسن تعلیل - ایهام - اسلوب معادله
 (۳) کنایه - حسن تعلیل - تلمیح
 (۴) جناس - اسلوب معادله - تلمیح»

(زبان ۹۵)

۳. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

- «لب ببستم ز سخن ای گل خندان که مباد
 (۱) ایهام - حسن تعلیل - کنایه
 (۲) استعاره - حس آمیزی - کنایه
 (۳) تشبیه - ایهام - تشبیه
 (۴) ایهام - تشبیه - حس آمیزی»

(تجربی ۹۶)

۴. همه آرایه‌های کدام گزینه، در بیت زیر وجود دارد؟

- «ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ نماید
 (۱) ایهام - تلمیح - تضاد
 (۲) ایهام تناسب - اغراق - حسن تعلیل
 (۳) تضاد - تلمیح - حس آمیزی
 (۴) کنایه - حس آمیزی - ایهام تناسب»

(ریاضی ۹۷)

۵. آرایه‌های بیت زیر کدام است؟

- «قضای لازم است آن را که بر خورشید عشق آرد
 (۱) تشبیه - ایهام - مجاز
 (۲) تشبیه - استعاره - ایهام تناسب
 (۳) استعاره - کنایه - مجاز
 (۴) تشبیه - استعاره - ایهام تناسب»

(انسانی ۹۶)

۶. آرایه‌های موجود در بیت زیر، کدام‌اند؟

- «ز زهد خشک ملولم، کجاست باده ناب
 (۱) حس آمیزی - ایهام - اغراق
 (۲) تشبیه فشرده - ایهام تناسب - اسلوب معادله
 (۳) کنایه - تضاد - ایهام تناسب
 (۴) متناقض‌نما - تشخیص - حس آمیزی»
- که بوی باده مدامم دماغ تر دارد»



۱۵. آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟ (تجربی ۹۷)

- «بر روی چون مه ارچه بتابی کمند زلف
باری به هیچ روی ز من روی برمتاب»
- (۱) مجاز - تشبیه - جناس - تشخیص
(۲) تشبیه - ایهام - جناس همسان - کنایه
(۳) استعاره - ایهام - جناس همسان - مجاز
(۴) ایهام تناسب - استعاره - تناسب - واج‌آرایی

۱۶. آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟ (خارج ۹۶)

- «نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی
پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید»
- (۱) استعاره - حس‌آمیزی - مجاز - حسن تعلیل
(۲) تشبیه - ایهام - جناس همسان - کنایه
(۳) تشبیه - مجاز - حسن تعلیل - ایهام تناسب
(۴) تشبیه - ایهام - نغمه حروف - مراعات نظیر

۱۷. آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟ (زبان ۹۶)

- «ای ز مژگان تو در چشم گلستان خارها
گل ز سودای رخت افتاده در بازارها»
- (۱) تشبیه - پارادوکس - مراعات نظیر - تضاد
(۲) تشبیه - ایهام تناسب - کنایه - تشخیص
(۳) ایهام تناسب - اسلوب معادله - تشخیص - کنایه
(۴) ایهام - تضاد - اسلوب معادله - مراعات نظیر

۱۸. آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟ (هنر ۹۷)

- «تورا که موی میان هم وجود و هم عدم است
دو زلف افعی ضحاک و چهره جام‌جم است»
- (۱) تلمیح - جناس - استعاره - مجاز
(۲) تشبیه - پارادوکس - جناس - ایهام
(۳) مجاز - تلمیح - تشبیه - ایهام
(۴) تشبیه - پارادوکس - تلمیح - جناس

۱۹. آرایه‌های بیت «از بس که با جان و دلم ای جان و دل آمیختی / چون نکهت از آغوش گل بوی تو خیزد از گلم» کدام‌اند؟ (انسانی ۹۱)

- (۱) استعاره - تشبیه - تشخیص - جناس - مجاز
(۲) تشبیه - ایهام - جناس - کنایه
(۳) تشبیه - کنایه - تشخیص - ایهام - حس‌آمیزی
(۴) مراعات نظیر - ایهام تناسب - نغمه حروف - تضمین
۲۰. آرایه‌های موجود در بیت:

«اگر از سینه مور ضعیفی پرده برداری / هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد» در کدام گزینه تماماً درست است؟ (هنر ۹۲)

- (۱) ایهام - کنایه - مجاز - جناس - تلمیح
(۲) کنایه - اغراق - مجاز - جناس - تشبیه
(۳) تناقض - تشبیه - مجاز - اغراق - اسلوب معادله
(۴) کنایه - اغراق - تناقض - تشبیه - مجاز

آزمون ۱۹ - الفبایی

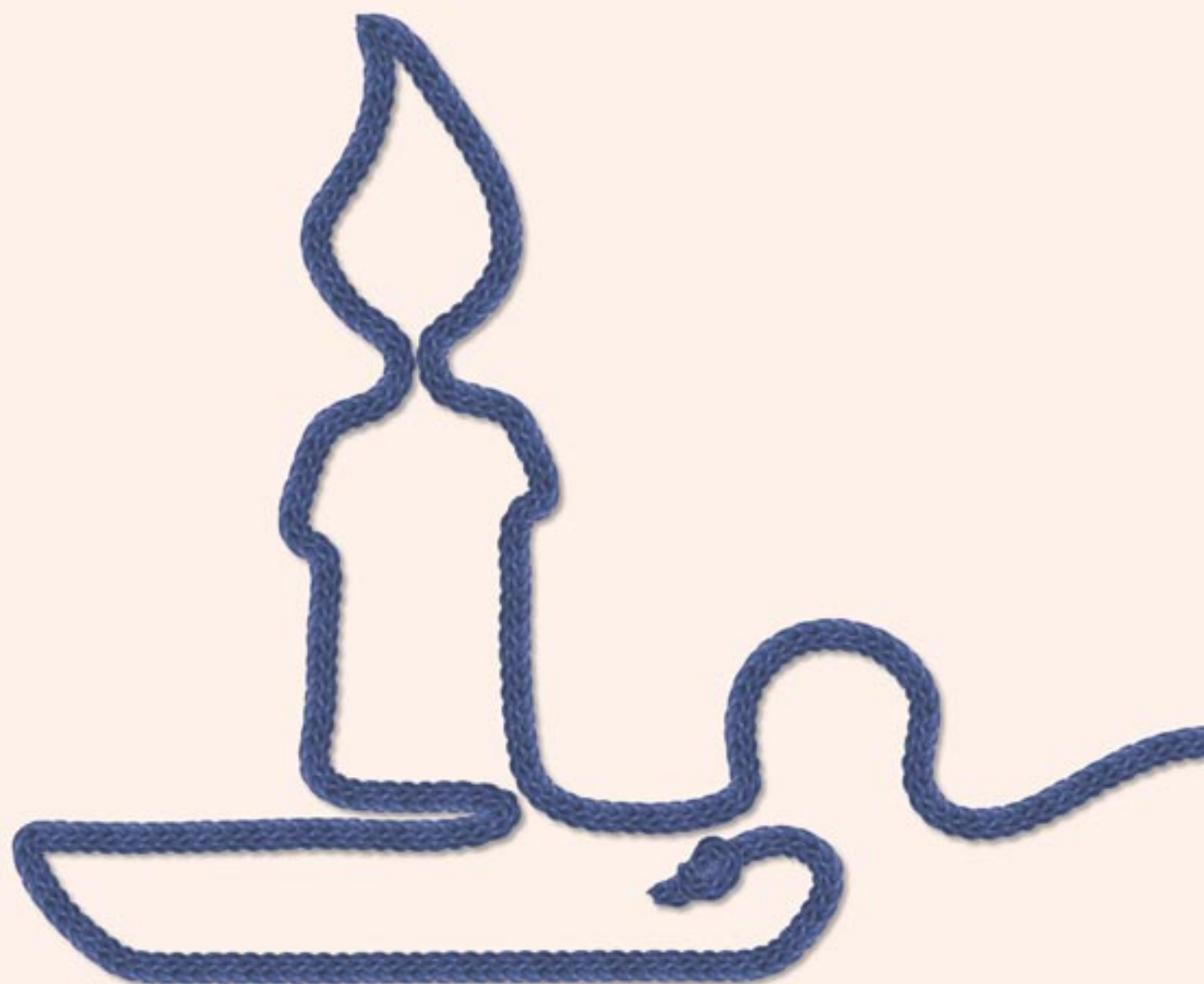


۱. ترتیب ابیات زیر از لحاظ داشتن آرایه‌های «تشبیه - ایهام تناسب - اسلوب معادله - مجاز» کدام است؟ (هنر ۹۵)

- (الف) گر نخواهد داد من امروز داد آن شاه حسن
(ب) ما که بستیم به دل نقش قد موزونش
(ج) شکوفه شور فکنده است در گلستان‌ها
(د) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود
- (۱) ج - ب - الف - د
(۲) ج - ب - د - الف
(۳) ب - ج - د - الف
(۴) ب - ج - الف - د
- دامنش فردا به نزد دادگر خواهم گرفت
گو مؤذن ز پی بستن قامت باشد
شده است خوان زمین گم در این نمکدان‌ها
می‌برد هر جا که خواهد اسب، خواب‌آلوده را

معنی، مفهوم، قرابت

درسنامه	
■ معانی و مفاهیم دشوار فارسی ۱	
■ معانی و مفاهیم دشوار فارسی ۲	
■ معانی و مفاهیم دشوار فارسی ۳	
■ مفاهیم خفن و پرتکرار	
تست	
آزمون ۲۰	مفاهیم دشوار فارسی ۱
آزمون ۲۱	مفاهیم دشوار فارسی ۲
آزمون ۲۲	مفاهیم دشوار فارسی ۳
آزمون ۲۳	دریافت مفهوم
آزمون ۲۴	خود مفهوم
آزمون ۲۵	تفاوت مفهوم





معانی و مفاهیم دشوار فارسی ۱

ستایش - به نام کردگار

زیبایی‌های طبیعت گوشه‌ای از زیبایی‌های خداوند است. (تجلی خداوند در همه هستی)

- ۱ چو در وقت بهار آبی پدیدار حقیقت پرده برداری ز رخسار
۲ فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

معنی پرتو چهره خود را بر روی زمین می‌اندازی و این‌گونه زمین پر از نقش‌های شگفت می‌شود.

- ۳ گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

معنی گل از شوق تو در بهار می‌شکند به همین دلیل رنگ‌های آن بسیار است.

درس ۱ - چشمه و سنگ

خودستایی / غرور

- ۱ گفت در این معرکه یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم
۲ چون بدوم، سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من

معنی وقتی در میان سبزه‌ها جاری می‌شوم، آن‌ها عاشقانه از من سپاسگزاری می‌کنند.

- ۳ چون بگشایم ز سر موشکن ماه ببیند رخ خود را به من

معنی وقتی از موهای خود چین‌ها را صاف می‌کنم (صاف و بدون موج می‌شوم) ماه آسمان چهره خود را در روی همچون آینه من می‌بیند.

- ۴ ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من، صاحب پیرایه شد

فروتنی موجب کمال است

- ۱ یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چوپهنای دریابدید
۲ چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید
۳ بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد

درس ۲ - از آموختن ننگ مدار / خسرو

توصیه به نیکی و پرهیز از دورویی، توصیه به صداقت

- ۱ تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی برخلاف نموده مباش.

- ۲ به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار تا گندم‌نمای جو فروش نباشی.



مفاهیم مهم و پرتکرار

خیلی مهم!

عشق

۱ مایهٔ آفرینش انسان است. (انسان از عشق آفریده شده است)

- ◀ از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت
- ◀ یک شعله آتش از رخ تو بر جهان فتاد
- ◀ از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد
- ◀ جنبشی در آدم و حوا نهاد
- ◀ سیلاب عشق در دل مشتی خراب بست
- ◀ بس فتنه و شور در جهان حاصل شد

۲ دردش درمان‌ناپذیر است. (درد و غم عشق، درمان ندارد)

- ◀ دردی است درد عشق که هیچش طیب نیست
- ◀ مسیح‌آمده داند زنده کردن
- ◀ درد ما را نیست درمان الغیث
- ◀ گر دردمند عشق بنالد غریب نیست
- ◀ ولی درد مرا درمان نداند
- ◀ هجر ما را نیست پایان الغیث

۳ قدرتمند و رهایی‌ناپذیر است.

- ◀ در دام غمت چو مرغ وحشی
- ◀ سعدی چو اسیر عشق ماندی
- ◀ عشق او باز اندر آوردم به بند
- ◀ می‌پیچم و سخت می‌شود دام
- ◀ تدبیر تو چیست؟ ترک تدبیر
- ◀ کوشش بسیار نامد سودمند

۴ جاودانه است و مایهٔ جاودانگی (عشق در وجود عاشق، همیشگی است)

- ◀ از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
- ◀ گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش
- ◀ هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
- ◀ یادگاری که در این گنبد دوار بماند
- ◀ می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها
- ◀ ثبت است بر جریده عالم دوام ما

۵ تقابل با تعلقات (برای عاشق شدن باید از وابستگی‌ها گذشت)

- ◀ سجده‌نتوان کرد بر آب حیات
- ◀ ای دل ز غبار جسم اگر پاک شوی
- ◀ نشان خواهی از وی، ز خود بی‌نشان شو
- ◀ تانیابم زین تن خاکی نجات
- ◀ تو روح مجردی بر افلاک شوی
- ◀ که من زونشان جستم از بی‌نشانی

۶ موجب کمال و ارزشمندی است.

- ◀ گویند روی سرخ تو سعدی! که زرد کرد؟
- ◀ من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
- ◀ دست از مس وجود چو مردان ره بشو
- ◀ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
- ◀ ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
- ◀ تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی



آزمون ۲۰ - مفاهیم دشوار فارسی ۱

۱. مفهوم کدام بیت در برابر آن نادرست است؟

چون دانه سری نیست که پامال نباشد:
(پرهیز از غرور)

(۱) گردن نفرازی که در این مزرع عبرت

بتر زو قرینی (دوستی) که آورد و گفت
(پرهیز از غیبت)

(۲) بدی در قفا عیب من کرد و خفت

تا جای داد، خُم به سر خویش خشت را:
(توصیه به تواضع)

(۳) امید من به خاک نهادی زیاده شد

ور نه از آن بی‌نشان پیغام‌ها دارد بهار:
(طبیعت تجلی‌گاه خداوند)

(۴) زاهدان خشک را گوش زبان‌فهمی کر است

۲. مفهوم بیت گزینه نادرست نوشته شده است.

که بی‌وفایی دوران آسمان بشناخت
(توصیه به مصاحبت و هم‌نشینی)

(۱) نگشت سعدی از آن روز گرد صحبت خلق

رو یکی ره این جو پوسیده را غربال زن
(نکوهش ریاکار)

(۲) تاکی از جور تو ای گندم‌نمای جو فروش

برون آرد به جان بی‌نفس از سنگ شیرین را
(ثابت‌قدمی موجب رسیدن به مقصود است)

(۳) بود چون کوهکن در عاشقی ثابت‌قدم هر کس

امروز خود حساب نباشد کسی چرا؟
(توصیه به رسیدگی به اعمال قبل از مرگ)

(۴) چون دادنی است روز قیامت حساب خود

۳. معنی دقیق عبارت مقابل چیست؟ «چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست؟»

(۱) وقتی نامه مرا ببیند، به اندازه شایستگی من پی می‌برد.

(۲) وقتی به تنگ‌دستی من پی ببرد، می‌فهمد که چقدر زجر کشیده‌ام.

(۳) وقتی خبر رسیدنم به او برسد، از من می‌پرسد چه علمی را بلدم.

(۴) او وقتی می‌فهمد که می‌توانم نامه نویس دربار باشم که نامه‌ام را ببیند.

۴. مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

کس بهره از زمانه به جز یک زمان نداشت
موقوف به یک چشم زدن همچو حباب است
به یک روزن کجا خورشید عالم‌تاب می‌سازد؟
که دور از تو به جان آمد دلش از قید جسمانی

(۱) کس در جهان مقیم به جز یک نفس نبود

(۲) این هستی پوچی که تو دلبسته‌انی

(۳) وفاداری مجو از دولت هر جایی دنیا

(۴) حسین خسته را درباب ای سلطان دو گیتی

۵. مفهوم کلی چند بیت در برابر آن نادرست است؟

الف) تعالیم زاره‌گیر در امر معاش ا

ب) ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست

ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد: توکل

ب) ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست

ج) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت

۲۰. مفهوم کلی کدام عبارت در برابر آن غلط است؟

- (۱) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است؟ یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟ که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟: شاعر عشق خود را نسبت به یار غیر قابل وصف می‌داند.
- (۲) هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو.»: عاشق در عشق وفادار است.
- (۳) و نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آن جا به دنیا آمده است، همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند: انسان عاشق به دنیا می‌آید.
- (۴) آیا چیزی در مختله آدمی می‌گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد، اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟: شاعر سخن‌های بسیار درباره یار گفته است.

آزمون ۲۳ - دریافت مفهوم



تیپ‌شناسی در این نوع تست‌ها

- ✓ معمولاً بیت یا عبارتی از کتاب درسی آورده می‌شود که با درک مفهوم آن می‌توان به بررسی گزینه‌ها پرداخت و گزینه هم‌مفهوم آن را پیدا کرد (مانند تست‌های ۱ تا ۱۰)
- ✓ بیت یا عبارتی خارج از کتاب درسی آورده می‌شود که باید مفهوم آن را استخراج کرد. مفاهیم این بیت یا عبارت‌ها، از دل کتاب درسی تدارک دیده می‌شوند. (تست‌های ۱۱ تا ۱۸)
- ✓ گاهی هم به دنبال مفهوم «مقابل» (برخلاف) بیت یا عبارت مورد پرسش هستند (تست ۱۹ و ۲۰)

۱. مفهوم ضرب‌المثل «کاه از خودمان نیست؛ کاهدان که از خودمان است» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟ (ریاضی ۹۵)

- (۱) چو کم خوردن طبیعت شد کسی را
(۲) خوردن برای زیستن و ذکر کردن است
(۳) کاه باید که بنازد که خریداری یافت
(۴) با آن که در وجود طعام است حظ نفس

۲. متن زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ (زبان ۹۵)

«هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.»

- (۱) غم ایمان خویش خور که تو را
(۲) ترک عمل بگفتم و ایمن شدم ز عزلت
(۳) غمگین مباش چون خط بطلان نمی‌توان
(۴) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل

۳. متن زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟ (ریاضی ۹۵)

«ضحاک، به کیفر کارهای زشت خود گرفتار بود؛ هر چه بیشتر مردم را از میان می‌برد، بیشتر در لجه بدنامی

و بغض و نفرت همگان فرو می‌رفت، تا سرانجام از پا درآمد و در بند شد.»

- (۱) شاهباز غمت از صید دل مسکینان
(۲) شهباز غمت راست کبوتر دل سلمان
هیچ نگذاشت که بر عزم شکار آید باز
دریاب که بر صید کبوتر زده‌ای باز



۲۰. بیت زیر، با کدام بیت «تقابل» مفهومی دارد؟

- «به زندان قفس مرغ دلم چون شاد می‌گردد»
 (۱) پرواز بلند کم نکردیم
 (۲) مرغ جان من در این خاکی قفس محبوس توست
 (۳) خود متاع خانه خویشیم چون مرغ قفس
 (۴) من نه آن صیدم که آزادی هوس باشد مرا

مگر روزی که از این بند غم آزاد می‌گردد»

هرچند که بال و پر فکندیم
 هم تو بالش برگشا و هم تو بندش برشکن
 خود متاع خانه خویشیم چون مرغ قفس
 از قفس گویم قفس تا در قفس باشد مرا

(تجربی ۹۶)

آزمون ۲۴ - خود مفهوم



تیپ‌شناسی در این نوع تست‌ها، مفاهیم استخراج شده به صورت خام در اختیار شماست. معمولاً در این تیپ تست، قدری کار آسان‌تر است و باید فقط به بررسی گزینه‌ها و تطبیق با مفهوم مورد نظر پردازید.

۱. مفهوم کدام بیت بیان‌کننده «استغنا» است؟

- (۱) بیش از دو دست شخص به خواهش دراز نیست
 (۲) ای زده برتر از گمان خیمه کبریای را
 (۳) کس چون عم زلیخا یوسف ندیده داند
 (۴) در عشق صلاحی نبود جمله فساد است

(هنر ۸۴)

من این دو دست را ز دو دنیا کشیده‌ام
 دست به تو کجا رسد عقل شکسته پای را
 دست بریده حالش دست بریده داند
 دستی به دل مصلحت‌اندیش گذارید

۲. در کدام بیت، شاعر از عدم ثبات رأی می‌نالند؟

- (۱) عیب پوشی سهل باشد عیب نادیدن خوش است
 (۲) سر تا به قدم جمله هنر دارد و خوبی
 (۳) طالب نکند سیر مقامی مگر از عرش
 (۴) هر چه در وصف تو گویند به نیکویی هست

(تجربی ۸۴)

چشم من روشن که دایم صاحب این دیده‌ام
 عیبش همه آن است که با بنده نسازد
 طبعی که بلند آمد پستی نشناسد
 عیب آن است که هر روز به طبعی دگری

۳. مفهوم همه ابیات، به جز بیت ریشه‌های شکست آدمی را در اندیشه و کردار خود او جست و جو می‌کند.

- (۱) مهر روی تو نه در خورد من مسکین بود
 (۲) آب، خاشاک چو بر خاطر خود دید چه گفت؟
 (۳) از دوستی‌ام سوخت دل خویش به صد داغ
 (۴) همی چه گویم و خود کرده را چه چاره توان؟

(خارج ۸۵)

چه کند بنده چو تقدیر خداوند این بود
 هیچ شک نیست که هر چیز که بر ماست ز ماست
 بیگانه نکرد آن چه دل خویش به من کرد
 بدین حدیث که کردم خود اقتصار کنم

۴. همه بیت‌ها، به جز بیت به عدم تقلید کورکورانه، توصیه می‌کند.

- (۱) چند منقاد هر کسی باشی
 (۲) هم ز خود جوی هر چه می‌جویی
 (۳) خودپسندی مکن که اهل نظر
 (۴) پی تقلید رفتن از کوری است

(زبان ۸۵)

جهد کن تا که خود کسی باشی
 که به غیر از تو در جهان کس نیست
 که پرستند خودپرستان را
 در هر کس زدن ز بی‌نوری است



(خارج ۹۶)

۱۸. از کدام بیت، مفهوم «ناتوانی عقل» دریافت می‌شود؟

- ۱) با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل
 - ۲) گرچه بدنامی است نزد عاقلان
 - ۳) دل چو از پیر خرد نقل معانی می‌کرد
 - ۴) عقل و دولت قرین یکدیگرند
- چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است
 ما نمی‌خواهیم ننگ و نام را
 عشق می‌گفت به شرح آن چه بر او مشکل بود
 هر که را عقل نیست دولت نیست

۱۹. مفاهیم «بی‌زاد و توشه بودن، نکوهش آزمندی، پرورده‌گویی، اوضاع نابه‌سامان» به ترتیب، از کدام ابیات، دریافت می‌شود؟

(خارج ۹۶)

- الف) نان جو خور در بهشت سیر چشمی سیر کن
 - ب) ز گوهر دهد لقمه‌ات ابر نیسان
 - ج) بر شکست قفس جسم از آن می‌لرزی
 - د) چون ورق برگشت موری شیر را عاجز کند
- ۱) الف - ب - ج - د ۲) ج - ب - د - الف
 ۳) ج - الف - ب - د ۴) الف - ج - د - ب
- می‌خوری خون از برای نعمت الوان چرا؟
 اگر چون صدف پاک سازی دهان را
 که سزاوار چمن بال و پری نیست تو را
 خط مویی بست دست قهرمان حسن را

۲۰. مفاهیم «پشت پا زدن به دنیا، صداقت، بی‌قراری عاشق، توصیه به فروتنی» به ترتیب، از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

(تجربی ۹۶)

- الف) هر سر موی حواس من به راهی می‌رود
 - ب) رو نگه داشتن از صاف ضمیران مطلب
 - ج) تا دلت سرد ز اسباب تعلق نشود
 - د) بی‌تزلزل نیست هر کس چون علم‌استاده است
- ۱) الف - ب - د - ج ۲) الف - ج - د - ب
 ۳) ج - الف - د - ب ۴) ج - ب - الف - د
- تا به آن زلف پریشانم نگاه افتاده است
 عیب پوشیدن از آینه عریان مطلب
 آتش از کوچه ما خانه به دوشان مطلب
 عشرت روی زمین از مردم افتاده است

آزمون ۲۵ - تفاوت مفهوم



تیپ‌شناسی در این تیپ تست‌ها ابتدا دو بیتی را که به هم نزدیک هستند شناسایی کنید و در گام بعد از دو بیت باقیمانده یک بیت را که نسبتی با این دو ندارد حذف کنید.

(ریاضی ۹۵)

۱. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟
- ۱) قاصد ز برم رفت که آرد خبر از یار
 - ۲) آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
 - ۳) خبر از درد ندارند طبیبان زنه‌ار
 - ۴) قاصد که ترا دید ندارد خبر از خود
- باز آمد و اکنون خبر از خویش ندارد
 از میان جمله او دارد خبر
 چاره زان جوی که کرده است چنین بیمارت
 دیگر به من زار که آرد خبر تو

(تجربی ۹۵)

۲. مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات تفاوت دارد؟
- ۱) کنون کوش کآب از کمر درگذشت
 - ۲) کنون باید این مرغ را پای بست
 - ۳) امروز بکش چو می‌توان کشت
 - ۴) کنون تا یقینت نگردد گناه
- نه وقتی که سیلاب از سر گذشت
 نه آن دم که سر رشته بردت ز دست
 کآتش که بلند شد جهان سوخت
 به گفتار دشمن گزندش مخواه

تاریخ ادبیات

فهرست الفبایی آثار ادبی (فارسی ۱، ۲، ۳)		درسنامه
اشخاص دارای چند اثر ادبی		
۲۰ تست	تک اثر	آزمون ۲۶
۲۰ تست	ترکیبی	آزمون ۲۷





فهرست الفبایی آثار ادبی (فارسی ۱، ۲، ۳)

نشانی	خالق اثر	اثر
فارسی ۲	عارف قزوینی	آزادی
فارسی ۱	سهراب سپهری	اتاق آبی (کلاس نقاشی)*
فارسی ۱	حسین واعظ کاشفی	اخلاق محسنی (کوزه)*
فارسی ۱	جلال آل احمد	ارزیابی شتابزده (پیرمرد چشم ما بود)*
فارسی ۳	رضا امیرخانی	ارمیا
فارسی ۳	باستانی پاریزی	از پاریز تا پاریس*
فارسی ۱	محمدبن منور	اسرار التوحید (حقه راز)*
فارسی ۱	محمدبن منور	اسرار التوحید (یک گام، فراتر)
فارسی ۱	عطار نیشابوری	الهی نامه*
فارسی ۲	ابوالقاسم لاهوتی	ای میهن
فارسی ۱	محتشم کاشانی	باز این چه شورش است
فارسی ۳	محمد بهمن بیگی	بخارای من، ایل من*
فارسی ۲	سید ضیاءالدین شفیعی	به یاد ۲۲ بهمن
فارسی ۲	عبدالرحمان جامی	بهارستان*
فارسی ۲	سعدی شیرازی	بوستان*
فارسی ۱	ویکتور هوگو	بینوایان*
فارسی ۲	ریچارد باخ	پرنده‌ای به نام آذرباد (ترجمه سودابه پرتوی)*
فارسی ۲	جبران خلیل جبران	پیامبر و دیوانه (ترجمه نجف دریابندری)*
فارسی ۱	سیدعلی موسوی گرمارودی	پیوند زیتون بر شاخه ترنج*
فارسی ۲	ابوالفضل بیهقی	تاریخ بیهقی*
فارسی ۲	عبدالرحمان جامی	تحفة الاحرار*
فارسی ۲	بدیع الزمان فروزانفر	زندگانی جلال الدین محمد مولوی*
فارسی ۳/۲	فریدالدین عطار نیشابوری	تذکره الأولیا*
فارسی ۱	احمدبن محمدبن زید طوسی	تفسیر سوره یوسف (جمال و کمال)
فارسی ۲	عین القضاة همدانی	تمهیدات*
فارسی ۳	محمد رضا رحمانی (مهرداد اوستا)	تیرانا*
فارسی ۲	محمد عوفی	جوامع الحکایات و لوامع الزوایات*
فارسی ۱	نیما یوشیج (علی اسفندیاری)	چشمه و سنگ*
فارسی ۲	بازل مشهدی	حملة حیدری*



آزمون ۲۶ - تک اثر



۱. نویسنده «اتاق آبی» کیست؟

- (۱) سهراب سپهری (۲) کریم زمانی (۳) منوچهر مرتضوی (۴) سعید حمیدیان

۲. چه کسی «پیوند زیتون بر شاخه ترنج» را سروده است؟

- (۱) پرویز نائل خانلری (۲) مهرداد اوستا (۳) زهرا کیا (خانلری) (۴) علی موسوی گرمارودی

۳. خواجه نظام‌الملک توسی، کدام اثر را نوشته است؟

- (۱) سیاست‌نامه (۲) مرزبان‌نامه (۳) قابوس‌نامه (۴) جمهوری‌نامه

۴. کدام گزینه جاهای خالی عبارات زیر را پر می‌کند؟

«کتاب اسرارالتوحید نوشته و نوع ادبی آن است - اثری شناخته در

فارسی که درونمایه‌ای عارفانه دارد.»

- (۱) ابوسعید ابوالخیر - ادبیات تعلیمی - نثر (۲) ابوسعید ابوالخیر - ادبیات تعلیمی - نظم

- (۳) محمدبن منور - ادبیات غنایی - نثر (۴) محمدبن منور - ادبیات غنایی - نظم

۵. واژه‌های کدام گزینه عبارت زیر را تکمیل می‌کند؟

«معصومه آباد، را که است نوشته است. این نوشته از نوع ادبیات است.»

- (۱) من زنده‌ام - خاطره - انقلاب اسلامی

- (۲) من زنده‌ام - شرح حال - پایداری

- (۳) شهری در آسمان - شرح حال رزمندگان - پایداری

- (۴) شهری در آسمان - خاطره - انقلاب اسلامی

۶. در کدام گزینه نام نویسنده «اخلاق محسنی» آمده است؟

- (۱) حسین واعظ کاشفی (۲) سدیدالدین محمد عوفی (۳) ابوالمجد آدم سنایی (۴) عطار نیشابوری

۷. چه کسی «داستان‌های دل‌انگیز ادب فارسی» را نوشته است؟

- (۱) جمال میرصادقی (۲) منصور رستگار فسایی (۳) ذبیح‌الله صفا (۴) زهرا کیا

۸. «لطایف‌الطوائف» نوشته کیست؟

- (۱) عبیدزاکانی (۲) بابا افضل کاشانی (۳) فخرالدین علی صفی (۴) سدیدالدین عوفی

۹. «سمفونی پنجم جنوب» سروده کیست؟

- (۱) فرانسوا کوپه (۲) جبران خلیل جبران (۳) مصطفی منقلوطی (۴) نزار قبانی

۱۰. چه کسی کتاب «زندگانی جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی» را نوشته است؟

- (۱) بدیع‌الزمان فروزانفر (۲) محمد تقی بهار

- (۳) غلامحسین یوسفی (۴) مصطفی محدثی خراسانی



آزمون ۲۷ تاریخ ادبیات ترکیبی



۱. در کدام گزینه آثار «مرتضی آوینی، موسوی گرمارودی، معصومه آباد، جمال میرصادقی» به ترتیب آمده است؟

- (۱) داستان‌های صاحب‌دلان، شهری در آسمان، شعرهای عاشقانه، دیوار
- (۲) دریادلان صف شکن، شهری در آسمان، روایت چهاردهم، از آوا تا هوای آفتاب
- (۳) دریادلان صف شکن، گوشواره عرش، من زنده‌ام، دیوار
- (۴) داستان‌های صاحب‌دلان، در زلال شعر، آینه‌ای برای صداها، شعرهای عاشقانه

۲. نام پدیدآورنده هر یک از این آثار «سیاست‌نامه، اسرارالتوحید، الهی‌نامه، قابوس‌نامه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) خواجه نظام‌الملک، محمدبن منور، عطار نیشابوری، عنصرالمعالی کیکاووس
- (۲) خواجه نظام‌الملک، ابوسعید ابوالخیر، سنایی غزنوی، عنصرالمعالی کیکاووس
- (۳) عنصرالمعالی کیکاووس، ابوسعید ابوالخیر، عطار نیشابوری، خواجه نظام‌الملک
- (۴) عنصرالمعالی کیکاووس، محمدبن منور، سنایی غزنوی، خواجه نظام‌الملک

۳. داده کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند.
- (۲) در ادبیات فارسی، موضوع‌های غنایی با مفاهیمی همچون: عشق، عرفان، مرثیه، مناجات و گلایه و شکایت در شعر یا نثر می‌آید.
- (۳) حماسه، به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، روایتی داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت است.
- (۴) ادبیات داستانی برخی آثار روایی را در بر می‌گیرد یعنی هر اثر روایتی خلاقانه، در قلمرو ادبیات داستانی، جای می‌گیرد.

۴. آثار کدام گزینه به ترتیب «منظوم، منثور، منثور، منظوم» هستند؟

- (۱) الهی‌نامه، اتاق آبی، قابوس‌نامه، گوشواره عرش
- (۲) اسرارالتوحید، تفسیر سوره یوسف، سیاست‌نامه، الهی‌نامه
- (۳) اتاق آبی، ارزیابی شتابزده، دیوار، اخلاق محسنی
- (۴) اخلاق محسنی، سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، الهی‌نامه

۵. درون مایه و قلمرو ادبی آثار کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) سفرنامه ناصر خسرو - اتاق آبی
- (۲) من زنده‌ام - دریادلان صف شکن
- (۳) اسرارالتوحید - گوشواره عرش
- (۴) داستان‌های صاحب‌دلان - دیوار

۶. نام پدیدآورنده چند اثر در برابر آن درست است؟

- (سه پرسش: شکسپیر) (مزار شاعر: فرانسوا کوپه) (لطایف الطوایف: محمد عوفی) (اخلاق محسنی: احمد زید طوسی) (داستان خسرو: جمال میرصادقی) (مائده‌های زمینی: تولستوی) (تفسیر سوره یوسف (ع): محمد بن منور) (قابوس‌نامه: عنصرالمعالی کیکاووس)

- (۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

آزمون‌های جامع

۲۵ تست	شبه کنکور / سطح ۱	آزمون ۲۸	تست
۲۵ تست	شبه کنکور / سطح ۲	آزمون ۲۹	
۲۵ تست	شبه کنکور / سطح ۳	آزمون ۳۰	
۲۵ تست	شبه کنکور / سطح ۴	آزمون ۳۱	





آزمون ۲۸ - جامع کنکور ۱

۱. معنی چند واژه نادرست معنا شده است؟

- (سودا: هوس) (حقّه: صندوق) (وقب: هر فرو رفتگی اندام چون گودی چشم) (گرده: بالای کمر)
(مخمصه: بدبختی) (خیل: گروه) (عیال: زن و فرزندان) (بیغوله: مردم نادان) (مرمت: اصلاح و رسیدگی)
(رمه: گلّه‌دار) (فرج: گشایش) (پلاس: نوعی گلیم کم‌بها) (حُجَب: باحیا) (منکر: ناپسند) (ادبار: خوشبختی)
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲. معنای واژگان «ستیزه‌روی، شماتت، مسامحه، چله»، در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- (۱) گستاخ - سرزنش - ساده‌انگاری - زه کمان
(۲) جنگجو - سرکوفت - نرمی - روده تابیده که بر کمان بندند
(۳) پررو - دشنام دادن - صلح کردن - زه کمان
(۴) جنگجو - ناسزا گفتن - آسان گرفتن - روده تابیده که بر کمان بندند

۳. در کدام گزینه معنی بعضی از واژه‌ها درست نیست؟

- (۱) (عصیبت: حمایت و طرفداری) (بیغوله: گوشه‌ای دور از مردم) (دستور: وزیر)
(۲) (خفت: مذلت) (ثنا: درود) (بی‌روزی: درویش)
(۳) (بیگاه: دیر) (پرده: آهنگ) (شرحه: تکه‌ای از هر چیز)
(۴) (دمساز: موافق) (ضلال: همراه شدن) (صحیفه: نامه)

۴. املاي واژه مشخص شده در همه ابیات درست است، به جز:

- (۱) صَفیر بلبَل طبعم شنو و گرنه به باغ
(۲) هر که خود را نخواست کوچک و خورد
(۳) گر طاق دو ابروی تو منظور نبودی
(۴) به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز
- نوای قمری و بانگ هزار بسیارست
با فرومایگان ستیزه نبرد
مسجود ملایک نشدی قالب آدم
به یار یک جهت حق گزار ما نرسد

۵. واژه انتخابی در چند گزینه از نظر املايي نادرست است؟

- (الف) جمله ارواح در تدبیر اوست
(ب) بهر حق این خلق زرها می‌دهند
(ج) گر ببرد او به قهر خود سرم
(د) کی (گذارد - گزارد) خدا تو را فارغ
(ه) گفت نامی که ز (هولش - حولش) ای بصیر
- جمله (اشباه - اشباح) هم در تیر اوست
صد (اساس - اثاث) خیر و مسجد می‌نهند
شاه بخشد (شست - شصت) جان دیگرم
چون خدا را ز کار نیست فراغ
هفت گردون بازماند از مسیر
- (۱) سه (۲) دو (۳) چهار (۴) یک

۶. آرایه‌های «حسن تعلیل، تناقض، ایهام تناسب، تشبیه» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) از زخم عشق گرچه دلم ریش شد ولی
(ب) بر سر شورست اشکم نوح تردستی کجاست
(ج) در این زمین چون تو خورشید طلعتی بوده‌است
(د) چو گویمت که دل تنگ من که را ماند
- نالہ نمی‌کنم که چنان ریش مرهم است
تا ز چشمم یاد گیرد رنگ طوفان ریختن
و گرنه ماه به دور زمین نمی‌گردید
اگر تو خرده‌نگیری دهان تنگ تو را
- (۱) ب - د - ج - الف (۲) ج - الف - د - ب (۳) ج - الف - ب - د (۴) الف - ج - د - ب

پاسخ نامہ تشریحی





۶. گزینه «۴» «حَضْر» به معنی منزل و حضور (مقابل سفر است)

باریک‌تر از مو «حذر» یعنی «دوری کردن از چیزی، پرهیز کردن ...» که تناسبی با «مشقت سفر» ندارد. پس باید از واژه «حضر» که با «سفر» تضاد دارد استفاده می‌شد.

۷. گزینه «۳» شکل درست واژه: «زایل» / زایل کننده یعنی: از بین برنده

۸. گزینه «۴» «ستوران» یعنی چهارپایان و «سطوران» غلط است.

باریک‌تر از مو علف، مخصوص ستوران (چهارپایان) است و سطور یعنی سطرها، نوشته‌ها، ناصواب یعنی «نادرست» و اصلاً واژه «ناثواب» خنده‌دار است به «تبع» هم یعنی به «تبعیت» (پیروی)

۹. گزینه «۴» شکل درست واژه: «محظور» به معنی: رودر بایستی / «اتباع» هم یعنی: پیروان

۱۰. گزینه «۴» شکل درست واژه «وزر» به معنی: گناه «مفلسان» یعنی: محتاجان و تهی‌دستان، «ماوا» یعنی: جایگاه و پناهگاه، «ثمین» هم یعنی: گران‌بها و قیمتی.
۱۱. گزینه «۲» شکل درست واژه: «امارت» به معنی: پادشاهی و فرمانروایی. / املائی «نزه» (باصفا) درست است.

باریک‌تر از مو امارت (امیری، فرمانروایی)، عمارت (ساختمان)، دقت داشته باشید عبارت مورد پرسش، برای انتخاب شخص است نه بنا و ساختمان.

۱۲. گزینه «۳» شکل درست واژه‌ها: «معونت» به معنی: یاری کردن و «ضایع نگذار» به معنی: سستی نمی‌کند نادرست نوشته شده است. / «موضع حزم و حیاط را ضایع نگذار» در دوران پیشی و احتیاط اهمال و سستی نمی‌کند. / املائی «موعظت» (موعظه: پند و اندرز)، «تأمل» (اندیشیدن)، «سیرت» (روش) و «صلت» (هدیه) همگی درست هستند.

باریک‌تر از مو هم‌خانواده‌های «معونت»: معاون، اعوان

۱۸. گزینه «۴» سور: جشن، عروسی

۱۹. گزینه «۳» معنی درست واژه‌ها: اعزاز: گرامی و عزیز داشتن، گرامی‌داشت / اصناف: گونه‌ها، انواع، گروه‌ها / استحقاق: سزاواری، شایستگی

۲۰. گزینه «۲» شهد: عسل، شیرینی / کاینات: جمع کاینه، همه موجودات جهان

پاسخ‌نامه آزمون ۶

۱. گزینه «۴» شکل درست واژه‌ها: «غرقه خواست شد»، «غریب خاست» یعنی «صدایی بلند شد» و «مخنقه» به معنی «گردن‌بند».

۲. گزینه «۱» شکل درست واژه‌ها: اسرار (رازها)، ثواب (پاداش)، قیاس (اندازه و حد)

باریک‌تر از مو از «اسرار» سخن می‌گویند نه «اِصرار» به معنی پافشاری، «بی‌قیاس» باید با «بی‌شمار» هم‌خوانی داشته باشد.

۳. گزینه «۲» «برخاست» به معنی؛ بلند شد.

باریک‌تر از مو «خاستن» وقتی معنای «برخاستن، بلند شدن، برآمدن» داشته باشد که همیشه هم همین‌گونه است، حرف «واو» وجود ندارد. واژه «قوافل»، جمع مکسر قافله است.

۴. گزینه «۱» شکل درست واژه: «ابهت» به معنی: بزرگی و شکوه

۵. گزینه «۴» «فارغ» هم‌خانواده فراغت و فراغ به معنی آسودگی است.

باریک‌تر از مو ضلالت (گمراهی) یا ذلالت (خواری)، مهجور (دورافتاده) یا محجور (ورشکسته و...)، فارق (جدا کننده) یا فارغ (آسوده)

باریک‌تر از مو قاعدتاً هر واژه‌ای با املا و معنای خود باید واژه‌ها یا فعل‌های متناسب با خود را در جمله همراه داشته باشد.



← بین «تاب» اول به معنی «پیچ زلف» و «تاب» دوم به معنی «طاقت و توان»

بیت (ج) تلمیح ← اشاره دارد به «ماجرای گندم خوردن و اخراج آدم و حوا از بهشت» / بیت (د) حس آمیزی ← صورت شیرین (شیرینی مربوط به حس چشایی، ولی صورت مربوط به حس بینایی است؛ به عبارتی، «صورت»، دیدنی است نه چشیدنی).

۳. گزینه «۱»

باریک‌تر از مو دو گزینه با «ج» و دو گزینه با «الف» شروع شده است. یعنی یکی از این دو بیت (ج، الف) اغراق دارد. حالا برویم سراغ آخر گزینه‌ها (الف، د، ب) به نظر شما کدام بیت ایهام دارد؟

بیت الف) ایهام: قانون (۱- مقررات ۲- نام کتاب ابن سینا)، شفا (۱- درمان ۲- نام کتاب ابن سینا) / بیت ب) تشبیه: شب‌نم مانند راح ریحانی، ابر نیسانی مانند ساقی، جام لاله (اضافه تشبیهی) / بیت ج) اغراق: محو شدن روز و شب در مقابل سیمای روحانی معشوق / بیت د) تضاد: باقی و فانی

۴. گزینه «۳»

باریک‌تر از مو آرایه تشبیه فقط در بیت «الف»، «ب» و «د» وجود دارد، از میان این سه بیت هم فقط «ب» و «د» استعاره دارند.

بیت ب) تشبیه: چون تو/ استعاره چشم فلک (اضافه استعاری و تشخیص) / بیت د) تشبیه: دام زلف (اضافه تشبیهی) / استعاره: ای صبا (استعاره کنایی و تشخیص)

۵. گزینه «۳»

باریک‌تر از مو باز هم شروع دو گزینه با «ج» و دو گزینه با «د» (د، مجاز دارد: خاک) حالا به آخر دو گزینه‌ای که با «د» شروع شده‌اند توجه کنید، «ب» و «ج» برای جناس (ب: ارزم و ورزم)

بیت «الف»: تشبیه: تشبیه «سر» به «بهای نعل» / بیت «ب»: جناس: (ارزم، ورزم) / بیت «ج»: تناقض: (عدل

کنایه: «پرده برداشتن» کنایه از «آشکار کردن» / اغراق: هزاران کوه غم در سینه مور ضعیف وجود داشتن / مجاز: «سینه» مجازاً «دل» / جناس: مور و مو / تشبیه: «کوه غم» (غم مانند کوه است)، موی کمر (کمری که مانند موی باریک است).

پاسخ‌نامه آزمون ۱۹

۱. گزینه «۲»

باریک‌تر از مو دو گزینه با «ج» و دو گزینه با «ب» شروع شده است، یعنی یکی از این دو بیت تشبیه دارد (ج: خوان زمین: اضافه تشبیهی)، آخر دو گزینه باقی مانده، «د» و «الف» است و این یعنی یکی از آن‌ها «مجاز» دارد (فردا: روز قیامت در بیت الف).

بیت «الف»: مجاز: «فردا» مجازاً به معنی «قیامت» است. بیت «ب»: ایهام تناسب: قامت: ۱- قد قامت الصلوة: بر پا شدن برای اقامه نماز ۲- قد، قامت (در این معنا با «قد» تناسب دارد) / بیت «ج»: تشبیه (اضافه تشبیهی): خوان زمین (تشبیه «زمین» به «خوان: سفره») / بیت «د»: اسلوب معادله: دل اگر از خدا غافل باشد، فرمان‌پذیر (مطیع) تن می‌شود (یعنی «تن» هر جایی که بخواهد، «دل» را می‌برد)؛ همان‌طور که «اسب» هم هر جایی که بخواهد، «شخص خواب‌آلوده» را می‌برد (دل غافل = شخص خواب‌آلوده / تن = اسب)

۲. گزینه «۳»

باریک‌تر از مو این شیوه چینش بیت‌ها در گزینه‌ها یعنی یکی از بیت‌های «الف» یا «د» حس آمیزی دارد (صورت شیرین در بیت «د» یعنی رد گزینه‌هایی که با الف شروع می‌شود). حالا برویم سراغ آخر گزینه‌های باقی مانده («۳» و «۴») به نظر شما از بیت‌های «ب» و «ج» کدام یک جناس همسان دارد؟ (در بیت «ب» واژه «تاب» جناس همسان است.)

بیت الف) کنایه ← «خاک بر باد دادن»: کنایه از بدبخت و بیچاره کردن است. / بیت ب) جناس همسان